

### کارمندان دولت را دریابید پایمال کردن قانون اساسی!!

اجازه ندهید این گروه اجتماعی شرافتمند  
به بردگی انحصار گران در آیند

در صفحه چهارم

### گستاخی ریگان

#### شیوه نا درست رها کردن جاسوسان امریکائی دولت هیچ پیروزی نداشته است

رها کردن جاسوسان بازداشتی  
آمریکائی بدون دادرسی  
پیامدهای ناگوار به بار آورده  
است.  
امریالیسم آمریکا از فرصت  
استفاده کرده و به جاسوسان  
بازداشتی عنوان «گروگان» داده  
و نگهداری آنها را در ایران در  
طی این مدت خلاف تعهدهای  
اخلاقی و بین المللی اعلام داشته  
و دولتمردان ایران هم دانسته یا  
ندانسته این برداشت را پذیرفته  
و به کار می برند.

بقیه در صفحه هفتم

### جنگ قدرت

#### در واحدهای صنعتی ناتوانی «مدیریت» دشواری بزرگ صنایع ملی شده شورا یا انجمن اسلامی؟

دو سال از پیروزی انقلاب  
اسلامی ملت ایران و نزدیک به  
یکسال و نیم از تصویب لایحه  
قانونی ملی شدن صنایع از سوی  
شورای انقلاب میگذرد، به موجب  
این لایحه قانونی کارخانههای  
سرسپردگان و گماشتگان نظام  
پیشین و سرمایه داران فراری  
در اختیار دولت قرار گرفته است،  
پس از تصویب این قانون،  
لایحههای تکمیلی دیگری نیز به  
تصویب رسیده و بسیاری از  
واحدهای صنعتی و کشاورزی را  
به استناد دریافت وامهای سنگین  
از بانکها و نپرداختن آن و  
بدهیهای مالیاتی و یا به علت

### یاد بازگشت امام خمینی

#### به میهن روزیکه یگانگی ملت در مظهر یگانه تاریخ تجلی یافت

دوازدهم بهمن ماه، یادآور شور و همستگی و هموائی با  
لحظه‌های فراموش نشدنی است که نپیدن دلها، تیغهای تیز سرما  
را می شکست و اسفالت یخ زده‌ی خیابان را پایکوبی یاران گرما  
می بخشد.  
خون تازه‌ی زندگی در رگها می دوید و با خود نوای امید و  
بهروزی به تمامی هستی جاری می ساخت.  
آنروز بردروازه‌های آذین شده با لاله‌های سرخ شهادت و  
شمع‌های برافروخته، مردم انقلابی ایران، در انتظار دیداری  
استثنائی بودند.  
بقیه در صفحه دوم

### سی سال پیکار خستگی ناپذیر به سوی آینده، به سوی آزادی، به سوی پیروزی

در صفحه سوم

### جنگ راه به «بازی الفاظ» نکشاند

#### دولتمردان در توجیه ندانم کاریها!

جنگ همچنان به دیری می باید و در همه جبهه‌ها  
حالت رکود میگیرد و دولتمردان در توجیه آنچه از  
ندانم کاری پدید آمده است با خونسردی پندارها و  
واژه‌ها و عبارتهای نوی سکه میزنند.  
کار جنگ را به «بازی الفاظ» کشانیدن و  
رویدادهای آن را در شبکه‌ی پایان ناپذیر عبارتها و  
واژه‌های غیر دقیق و حتی بی معنی پیچانیدن و گاه و  
بی گاه هم، به اقتضای فراز و فرودهای میدان نبرد،  
پندارهای تازه‌ای به میان آوردن، بذر بدگمانی پاشیدن  
و نهال بی تفاوتی نشانیدن است  
همه زمینه‌های زندگی مردم به «بازی الفاظ»  
کشیده شده زندگی سیاسی و زندگی اقتصادی و  
زندگی فرهنگی زمینه‌های گردیده است برای آزمایش  
قدرت سخنوری و واژه پردازی.

دولتمردان، اصلی ترین خواستها و والاترین  
آرزوهای مردم را موضوعی تلقی میکنند برای نشان  
دادن «قوت طبع» و گرد هم آبی برای چاره جوئی بر  
انبوه دشواریها را «فسحت میدان ارادت» میپندارند  
و در آن گوی سخن «می زنند» و «اسب بلاغت»  
می جهانند. در این میان دردها قزوتتر میشود و  
مصیبتها انباشته تر و مردم «غم» بر «غم» می نهند  
ولی دولتمردان «سخن» بر «سخن» می چینند.  
هر «سخن» هم که گزاف و بی اعتبار در آید و  
ناراستی آن چون قرص خورشید در آسمان عیان  
گردد، اندک پروا به خویش راه نمیدهند و با «چرب  
زبانی» سخن دیگر گون می آورند و به آسانی بر  
یکدیگر بهتان بی همتی و نا آگاهی می بندند.

یک روز با دلیری از «درست شدن کار کشاورزی»  
سخن میرانند و افتخار آن را به نام خویش و به رای  
خویش بار میکنند و آنگاه که ناراستی این سخن آشکار  
میگردد، غبار از شان خویش میتکانند و چوب تهمت  
بر سر و صورت دیگران می کوبند.  
روزی دیگر از «افزایش سطح اشتغال» سخن  
میدارند و چون ادعا پوچ از آب درمی آید، گناه برپای  
سایران می نویسند.  
بقیه در صفحه دوم

### کنفرانس سران کشورهای اسلامی توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران

سومین گردهمایی سران  
کشورهای اسلامی! در شهر طایف  
عربستان با شرکت سی و هشت  
کشور از چهل و دو کشور عضو،  
روز پنجم بهمن ماه گشایش  
یافت. در این کنفرانس علاوه  
بر کشورهای عضو، سازمان  
آزادبخش فلسطین و دبیر کل  
سازمان ملل متحد آقای کورت  
والدهایم نیز شرکت داشتند.

تلاش دست اندر کاران  
برگزاری این گردهمایی برای  
ترغیب ایران به شرکت  
در کنفرانس عقیم ماند و دولت  
لیبی به علت قطع رابطه  
دیپلماتیک با عربستان سعودی از  
حضور در کنفرانس امتناع ورزید  
و از دولت افغانستان به دلیل  
دست نشاندن روسیه بودن،  
دعوت بعمل نیامده بود و رژیم  
مصر هم پس از امضای موافقتنامه  
صلح با اسرائیل از هجده ماه قبل  
عضویتش به حال تعلیق در آمده  
است.

ژنرال محمد ضیاء الحق  
رئیس جمهور پاکستان روز جمعه  
۲۶ دیماه در یک کنفرانس  
مطبوعاتی در آنکارا گفت «تمام  
کشورهای اسلامی طرفدار  
جنبش غیر متعهدها هستند!  
اجلاس آینده کشورهای اسلامی  
که در عربستان تشکیل خواهد  
شد روح عدم تعهد را رواج خواهد  
داد» وی خاطر نشان ساخت که

### جشن کتابسوزان عملکردهای بیگانه شاد کن انحصار گران

این اولین بار نیست که پس از  
استقرار جمهوری اسلامی  
در کشور، سه مرکزهای فروش  
کتاب حمله میشود یا  
کتابفروشیها به آتش کشیده  
میشود.  
این اولین بار نیست که به  
دکهای فروش روزنامه حمله  
می کنند، روزنامه‌ها را پاره  
می کنند، دکهای روزنامه فروشی  
را به آتش می کشند و فروشنده‌ی  
آن را کتک می زنند و زخمی

می کنند و سرانجام دستگیر  
مینمایند.  
این اولین بار نیست که جوانی  
را به اتهام فروش روزنامه‌ی یک  
حزب یا سازمان کتک میزنند و  
خودش و روزنامه‌هایش را به  
کمیته میبرند.  
این اولین بار نیست که بطور  
رسمی یا غیررسمی اقدام به  
جمع آوری کتاب از کتابخانه‌ها و  
کتابفروشیها میشود.  
همه اینها در طول این  
دو سال بارها اتفاق افتاده است.  
ولی شاید در تاریخ سحر این  
اولین بار باشد که حکم اعدام،  
برای کتاب صادر میشود!

راستی کشور به کجا میرود؟  
ایمان را چه شده است که این سان  
به هر کس که حر به دلخواهشان  
بقیه در صفحه ششم

### چین در آغاز دورانی نو انقلاب فرهنگی، کودتایی بود علیه انضباط و تخصص

پس از هفته‌ها دادرسی  
«جیانگ چینگ» بیوه مائو به  
مرگ محکوم شد. اما دادرسان  
دادگاه ویژه پکن کیفر صادره  
در مورد بیوه مائو را در صورت  
تغییر و اصلاح طی دوران دوسال  
زندانی به حبس ابد تخفیف  
دادند.  
«جیانگ چینگ» که زمانی ار  
رهبران قدرتمند چین شمرده  
می شد، اکنون خود را تنها

## نیرومند با دارتش جمهوری اسلامی ایران

در سایه‌ها  
در جهان ملتها  
بر مزار دلاوران  
کوهستان  
نکته‌ها  
از نامه‌های رسیده



## جنگ راه «بازی الفاظ» نکشاند

این ماجرا در زمینه‌های سیستم بانکی و سیاستهای پولی و اعتباری و نظام اداری و آموزشی و بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی ملی تکرار شده است و اینک روند جنگ هم می‌رود که در این «بازی الفاظ» گرفتار آید.

جنگ با دیگر رویدادهای کشور تفاوت دارد، هر رویداد را میتوان برای مدتی کوتاه به بازی گرفت و با زبان آوری روند واقعی آنها را از چشمها پوشیده داشت و از مردم هم خواست پیامدهای ناگوار را تحمل کنند.

ولی جنگ مسئله بودن یا نبودن است و به بازی گرفتن آن، خطرهای بسیاری را پیش روی می‌آورد که تحمل پذیر نمیباشد.

جنگ نه همان که در هر روز، شماری از ایرانیان را به کام مرگ و عیلی میکشد و در هر روز زبانه‌ها و آسیبها بر خانه‌ها و کارگاهها و کشتزارها وارد می‌آورد، بلکه سرانجام فاجعه‌آمیز آن زندگی ملی را هم به ریزش و پاشیدگی دچار می‌سازد.

دولتمردان نه تنها جنگ را وسیله‌ای برای به جلوه در آوردن «قوت طبع» گرفته‌اند بلکه از آن به گونه‌ای افزاری برای غلبه بر هم آوردن سیاسی خود بهره برمی‌گیرند و در اینراه تا بجائی پیش رفته‌اند که هر گفتگو درباره جنگ راناروا دانسته‌اند و به پایان بردن آنرا وظیفه انحصاری خویش شمرده‌اند.

گفتگوی مردم درباره جنگ واشتیاق شدید ایشان به دانستن هر چه در جبهه می‌گذرد، بسیار طبیعی است، زیرا سرنوشت نهائی خود را در چگونگی آن می‌یابند و فهمیده‌اند که هر بدفرجامی در جنگ همه هستی و امید و آرزوهای بلندشان را به کلام بلا می‌ریزد.

فاجعه‌هایی که بر اثر جنگهای بدفرجام بر ایران بار شده، پس از سالها و قرن‌ها، هنوز بسافت اجتماعی و روانشناسی مردم را دردمند می‌دارد و اگر این جنگ هم در پایان بر رنجوری ملی بیفزاید، به راستی جای آن خواهد بود که نسلهای آینده تلخترین سرزنش‌ها را بر نسل کنونی روا دارند.

هیچ ایرانی آگاه و آزدادی نمی‌تواند از برابر روند زبانه‌ها در «نبرد میهنی» با بی‌تفاوتی بگذرد. جنگ همه‌ی هستی ملی را به کام خود می‌کشد و سرنوشت فرزندان این سرزمین را رقم می‌زند، چگونه ممکن است چنین رویدادی را با خاموشی نگریست و سرفراز و نشیب آن بی‌اعتنا ماند.

بارها گفته‌ایم و باز هم می‌گوئیم هر ناگواری که در جنگ پدید آید فقط و فقط بر اثر ناروایی در شیوه‌ی سامان بخشی به آن است.

یکی از اصلی‌ترین توانائی‌های که در هر جنگ به کار می‌آید، بسیج و تجهیز همه استعدادها و همه توانائی‌های کشور است.

ایران سرشار از توانائی‌هایی است که می‌تواند در جنگ کارساز باشد، این توانائی‌ها به هیچ گرفته شده و حتی از اثرگذاری آنها جلوگیری هم می‌شود.

جای پرده پوشی ندارد که دولتمردان و سامان دهندگان جنگ باید اندیشه حصر افتخارها را یکباره به کناری نهند و از همه استعدادها یاری بجویند و هرگز پروای سهم خود را در پیروزی نکنند.

بزرگترین افتخاری که در جنگ حاصل توان آمد، جنبه اخلاقی دارد و ناشی از فروتنی است، فروتنی نه به آن معنی که اریاب و اروبه‌الصفات تبسم کنند و دست تکان دهند، بلکه فروتنی به آن معنی که هر استعداد و هر توانائی را در دفاع از میهن فرصت تکاپو دهند و فروتنی به آن معنی که خویشتن مداری را یکباره فرو گذارند.

اینک جنگ به صورت فرسایشی درآمده است و این صورت جنگ را با هیچ بهانه جویی نمی‌توان از چشمها پنهان داشت.

از همان هفته‌های نخست ما این خطر را دریافتیم و پدید آمدن آن را هشدار دادیم و خواستیم تا چاره‌ای بیندیشند و از این آفت بزرگ جلوگیری کنند.

هر کس تصور کند که در فرسایشی شدن جنگ سودی برای ایران نهفته است، سخت به اشتباه می‌رود، فرسایشی شدن جنگ آشکارا در نظام اداری و سیاسی کشور روحیه انتظار و کم‌حرکتی به وجود آورده و باعث شده است که دوران سازندگی انقلاب در بوته اجمال قرار گیرد.

فرسایشی شدن جنگ به دشمن فرصت می‌دهد تا درصد گردآوری ابزار و بسیج نیروهای تازه باشد، بویژه آنکه دشمن با جهان خارج رابطه‌ای گسترده دارد و از جاهای گوناگون جنگ‌افزار بدست می‌آورد.

فرسایشی شدن جنگ منابع مالی ایران را در خطر قرار می‌دهد، در حالی که دشمن خواهد توانست از بیاران ثروتمند مدد بگیرد و نیازهای خود را برطرف نماید.

فرسایشی شدن جنگ در گروههای ضد انقلاب که روحیه باختنه‌اند، توش و توان حرکت می‌آفریند و به آنان میدان می‌دهد تا در فضای میهن غبار بدبینی و ناامیدی بپاشند.

تصور اینکه فرسایشی شدن جنگ، دشمن را به نیستی و فروریختن می‌کشاند و نیروی خودی را استوار می‌دارد، تصویری است از پایه نادرست.

باید اندیشه جنگ فرسایشی را از سر فرورنهادهای و برای تاراندن قطعی دشمن، دست به کار شد که این کار میسر است.

توانائی‌های خودی را نباید ناچیز انگاشت تسوانائی‌های دشمن را نیز نباید کمتر یا فروتر از آنچه هست قلمداد کرد و باید هر دو را به درستی برآورد نمود.

اگر این برآورد به دقت صورت گیرد و همه توانائی‌های خودی فهرست شود، بی‌گمان نتیجه آن خواهد بود که ایران به آشکارا از عراق برتر است.

سامان دهندگان جنگ در هفته‌های پیش، از پیروزی‌های پی در پی خبر می‌دادند و پیروزی نهائی را بسیار نزدیک می‌گفتند ولی اینک از برتری‌های دشمن آگاهی می‌آورند و گه‌گاه هم از تلخی شکست یاد می‌کنند.

این شیوه سامان بخشی به جنگ سخت ناروا است و پس از آنهمه تهنیت و تبریک پیروزی، سخن را بدینسان چرخانیدن و گناه را به گردن یکدیگر انداختن در مردم آرزومند و جانباز، جز آه سرد و اندوه گرم چه تواند زائیدن.

باید، بیدرنگ دست به کار شد، و باید اندیشه فرسایشی شدن جنگ را به کناری نهاد و باید همه توانائی‌های ملی را به یکباره به کار گرفت و فراهم آوردن جنگ‌افزار را هم اینهمه دشوار ندانست.

هم میتوان از درون کشور و به یاری بسیاری از کارشناسان، کارخانگان و استادکاران، جنگ‌افزار ساخت و هم میتوان در صحنه پرکشمکش جهانی، از اینجا و آنجا هر چه را لازم است به دست آورد.

یا فراهم آوردن شرایط لازم، باید سامان دهندگی جنگ را به کسانی آگاه و چالاک سپرد و بخصوص به فرماندهان آرتشی اختیار کافی داد.

بالاخر از همه اینها، باید جنگ را از مجموعه حسابهای مبارزه قدرت خارج کرد و باید فرصت داد تا هر کس به سهم خود در این میدان به تلاش برخیزد.

برای این کار باید روند جنگ را آشکارا بر مردم باز گفت و از نهفتن حقیقت رویدادها، پرهیز کرد.

آن چیزها که بر دشمن هویدا است چرا باید از آگاهی مردم دور نگهداشته شود و اگر سامان دهندگان جنگ تصور می‌کنند که این آگاهی روند شاید ناگوار جنگ، بر روحیه‌ها لطمه می‌زند، باز سخت در اشتباه‌اند.

آنچه بر روحیه مردم و بر خصلت‌های جنگبارگی ایشان آسیب می‌رساند پوشیده داشتن روند جنگ است.

مردم بر اساس آنچه تاکنون شنیده‌اند، بسیار پرسشها در ذهن‌هایشان پدیدار شده‌اند که با یکدیگر در میان می‌گذارند ولی پاسخی بر آن نمی‌یابند.

اینک فضای ایران از پرسشهای گوناگون درباره جنگ انباشته است و مردم آنچه را در گذشته نزدیک شنیده‌اند، از یاد نبرده‌اند و آنها را با آنچه امروز می‌شنوند سازگار نمی‌بینند. مردم که شهیدان خود را هر روز تا گورستان بدرقه می‌کنند، حقد دارند از چند و چون جنگ بپرسند و حقد دارند برروند آینده آن نگران باشند.

نیروی اصلی وظرف آفرین جنگ نیروی مردم است با این شیوه‌های، نیروی مردم را از کار باز ندارند و خود را از این سرچشمه نیستی ناپذیر قدرت دور نیفتند.

از مردم دوریابیستی نکنید و روحیه و توان جنگبارگی مردم را دست کم نگیرید و مردم را فقط به گونه‌ی «شنوندگان» و «تحسین کنندگان» در نیابید.

از مردم یاری بجوید و چنان سامانی فراهم آورید تا نیروی نهفته آنان به کار افتد و به چشم دشمن کشانده شود و هیچ شک نداشته باشید که پیروزی از آن «ایران جاودانه» است.

## چین...

دشمنانما شدند. در این بین کار بدستانی چون چوئن لای تنها به خاطر نزدیکی به شخص مائو لیه تیز تصفیه را از خود راندند ولی تنگ شیائو پینگ و یارانانش مورد بی‌مهری قرار گرفتند و گاه کار بدستانی چون لین پیاو خود را در آستانه مرگ یافتند.

مرگ مائو نه تنها چنانگ‌چینگ و سه یارش را از ادامه راه ناامید نساخت، بلکه بر استحکام آنان افزود. اما مارگ چوئن لای داستان رنگ دیگری یافت، توده‌های میلیونی مردم، یکن یک پس از شنیدن

دشمنانماهای دارو دسته چهار نفری به شخص چوئن لای، راهی میدان «تیس آن من» (میدان سرخ) شدند و با فریادهای خود، حیثیت فروخته شده چوئن لای را باز خریدند.

در میان ناباوری جهانیان چنینها به خیابانها ریخته و با فریادهای «درود بر چوئن لای» راه طی شده توسط وی را برام کردند.

در ماه اکتبر سال هزار و نهصد و هفتاد و شش دارو دسته چهار نفری باتمام هیبت افسانه‌ای خود فرو ریخت و در حقیقت مردم چین از میان مار کسبیم صرف و مار کسبیم به اضافه تخصص، راه دوم راگزیدند

## یاد باز گشت امام خمینی به میهن

در آن هنگامه خروشان تاریخ، «خبرنامه» نشریه‌ای که بگونه‌ی پرچم انقلاب لحظه‌ای از اهتزاز فرو نماند روز سه‌شنبه سوم بهمن ماه ۱۳۵۷ زیر نام «شکوه بی‌نظیر استقبال» مژده بازگشت امام را انتشار داد و تاریخ آنرا روز جمعه ششم بهمن ماه اعلام کرد و ناگوشردهایی مردم را آماده‌ی استقبالی نا شکوه از رهبر انقلاب و مرجع عالیقدر تشیع کرد.

پنجشنبه پنجم بهمن ماه شماره هفتاد و پنج خبرنامه «بشارت نامه» بود. و با این کلام آغاز می‌شد «خمینی می‌آید، مردی که ندای مبارک رهائی است و بانگ خوش آهنگ استقلال، مردی که نشانه‌ی اراده‌ی انسان با ایمان علیه فساد است و یاطل و خفقان»

جمعه ششم بهمن، فرودگاه مهر آباد به شکل یک فرودگاه اشغال شده‌ی نظامی درآمد.

مردم خشم‌آلود هیجان رده به خیابانها ریختند و با شعارهای تند، خواهان بازگشت هر چه رودتر امام خمینی به میهن شدند.

رهبر انقلاب در مصاحبه‌ای با شرکت پیش از سیصدتن خبرنگار، عزم جرم خود را در بازگشت به ایران و استقبال از هر نوع خطر چنین اعلام نمود «من بلافاصله پس از باز شدن فرودگاه به ایران خواهم رفت و به آنها خواهم فهماند که غاصب هستند ولی وقت قدری آنها گذشته است من ملت را به ادامه نهضت دعوت می‌کنم و همچنین به آرامش. من به ایران برمی‌گردم تا اینکه دشمن راسر جای خود بنشیند یا اینکه در میان مردم بمیرم»

سرانجام برغم توطئه‌های بسیار پافشاری و استقامت مردم همه‌ی دیوارهای بلند تهدید رانشکست و روز موعود فرارسید.

«خبرنامه» در شماره هشتاد و یکم چنین می‌نویسد «خمینی می‌آید، این بشارت را نورباران شهر، رشته‌ی سپید نقل بر کف خیابانها و بوق ممتد اتومبیل‌ها بگوش جهانیان رساند.»

و در شماره هشتاد و دوم این نشریه چنین آمده «روز پر شکوه انتظار، روز عزت بخش تصمیم، روزی که یگانگی ملت در مظهر یگانگی تاریخ تجلی یافته بود، فرا رسید.

خمینی به وطن بازگشت، خمینی قدم به سرزمینی نهاد که ثمر دردمند اما امید بخش دوران سرنوشت ساز آنست.

سرتاسر ایران زمین در شادی و انبساط بپاخاست و استقبال بزرگ تاریخ را نظاره کرد. زنان مردان مسلمان و غیرمسلمان، بزرگ و کوچک، با هر عقیده و سلیقه از هر گوشه و دیوار، همه و همه در این همگالی عظیم شرکت جستند.

نخستین پیام مرجع بزرگ، خاطر نشان کردن این مساله بود که مرحله اول مبارزات پایان یافته است و باید به سوی مراحل بعد و شاید سخت‌تر، با همکاری بیشتری گام برداشت و باید اتحاد و همبستگی خود را استوارتر ساخت تا بتوان دوران‌های دیگر نبرد رانیز به پایان رسانید.»

در پایان این نوشتار چنین نوشته شده «استقبال از امام خمینی نشان دریافت‌های تاریخی مردم است که چشم به آینده دوخته‌اند. آینده‌ای آزاد، آینده‌ای مستقل، آینده‌ای بر بنیاد عدالت و سرفرازی»

خاطره‌ی شکوهمند بازگشت امام خمینی به میهن گرامی باد.

که به نیاملی نزدیکتر بود. سقوط دارو دسته چهار نفره پایان کار نبود اکنون در میدان دوسمیل قرار داشتند:

الف- هواکوفنگ نخست وزیر و یاراناش: این گروه که جناح میانه رورانشکیل می‌دادند در رویا رویی با دارو دسته چهار نفری سیاست بااعتدالی را پیشنهاده کردند و بیم داشتند تا یاطرد کامل انقلاب فرهنگی چین به سوی نفی مار کسبیم رهنمون شود.

ب- تنگ شیائوپینگ معاون نخست وزیر و یاراناش که جناح تندرو را تشکیل میدادند در رویارویی با دارو دسته چهار نفری امکان هر نوع سازش رانفی کرده و خواهان سرکوبی کامل آنان بود.

تنگ شیائوپینگ مار کسبیم را جدا از تخصص نمی‌دانست و هر دو آنها را لازم می‌شمرد و از پیشتیانی دادگاه ارتش هم

بر خوردار بود. دادگاه ویژه پکن که به دادرسی بیوه مائو و سه همکارش پرداخت، آورد گناه دو طرز فکر گردید و تفکر سازش ناپذیر تنگ شیائوپینگ و یاراناش از سویی و تفکر انعطاف پذیر هواکوفنگ و یاراناش از سوی دیگر نتیجه‌ی پیکار این دو تفکر در کیفر دادگاه ویژه پکن تجلی یافت.

قهرمان پیروز این پیکار تنگ شیائوپینگ و سیاست وی بود و بازنده‌ی بزرگ هواکوفنگ بود که با استعفا خود به این پیکار پایان داد.

اکنون مردم خود را رویاروی با تفکر نوی می‌یابند، تفکری که پس از سالها مبارزه سخت قدرت را در دست خود می‌بیند ولی هنوز با تفکری که همه خواسته‌های تاریخی ملت چین را در برداشته باشد فرستگها فاصله دارد.

### همرزم دکتر محمد ابوالحسنی

با اندوه بسیار درگذشت مادر بزرگوارتان را تسلیم می‌گویم  
**شورای پزشکان  
حزب ملت ایران**

### همرزم ارجمند مهندس رضا بصیری

درگذشت ناگهگم شادروان عباسعلی مردانی را تسلیت می‌گویم  
**شورای مهندسان  
حزب ملت ایران**



# آبادانا

صاحب امتیاز و مدیر  
امیر سلیمان طبیب  
زیر نظر هیئت تحریریه

سال اول شماره ۱  
سه شنبه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۲۹  
نکشماره ۲ رباعی

جای اداره خیابان لاله زار کوچه نکسا شماره ۴۴

## بسوی آینده، بسوی آزادی، بسوی پیر وزی

### سی سال پیکار خستگی ناپذیر

چاپ به فرمانداری نظامی  
و دستگیری گردانندگان این  
صفیر آزادی در دل شبهای  
تار خاموش شد.

دوره دوم «آرمان ملت»،  
ارگان حزب ملت ایران» از  
سه شنبه پانزدهم مهرماه  
۱۳۳۷، هفده شماره در  
دو صفحه پل کی تاسه شنبه  
چهارم خردادماه ۱۳۳۸  
انتشار یافت ولی بادستگیری  
دبیر و رهبران آن از کاربدستان  
حزب و ضبط ماشینهای  
پلی کپی از سوی گماشتگان  
ساواک و دادرسی ارتش،  
شکستی دیگر از راه رسید بی  
آنکه تسلیمی در کار باشد.

نگاهی کوتاه به دودوره  
«آرمان ملت» و اعلامیهها  
و نشریههای پر شمار در طول  
بسیست و بیسجاسالت  
استبدادی زیر سلطه ستمسار،  
کارنامه نبرد خستگی ناپذیر  
ملت گریان راستین برای  
بازگرداندن استقلال میهن  
و آزادیهای فردی و اجتماعی  
مردم است.

«عاقبت، روشنی فجر، پی  
تیرگی شام بلند» فرارسید  
و انقلاب اسلامی ملت ایران  
پیروز شد امتیاز «آرمان ملت»  
به نام همرزم امیر سلیمان  
عظیمی صادر و بگونه پنجمین  
دوره ارگان حزب ملت ایران  
انتشار می یابد.

شورای نویسندگان «آرمان  
ملت» میکوشد در فرصتهای  
در خور، نوشتارهای دورههای  
قبلی آن را که سند استمرار  
کوششهای آرمانخواهانه  
حزب ماست بار دیگر به چاپ  
رساند زیرا بسیاری  
از رهنمودهای دیروز هنوز هم  
بهترین روشنگر راه فراداست.  
اکنون روز دهم بهمن ماه  
۱۳۵۹ فرا رسیده است  
و درست سی سال پرفراز و  
نشیب از انتشار نخستین  
شماره «آبادانا» در دهم بهمن  
ماه ۱۳۲۹ میگذرد.

در این فرصت بخشی از این  
شماره که نوشتاری را با عنوان  
«بسوی آینده، بسوی آزادی،  
بسوی پیروزی» در بردارد با  
چند نمونه از سرکلیشههای  
«آبادانا» و «آرمان ملت» نه  
گونهی ارگان حزب ملت ایران  
به چاپ میرسد.

در نخستین شماره دوره  
پنجم آرمان ملت که روز  
سه شنبه دوازدهم فروردینماه  
۱۳۵۹ انتشار یافت در  
نوشتاری زیر عنوان «صفیر  
آزادی در دل شب» چنین  
آمد «درگیر و دار جنگ  
جهانگیر دوم که همه  
بخشهای میهن ما به اشغال  
ارتشهای بیگانه درآمده بود،  
جنبش رهاییبخش مردمی  
دورنمایی خود سازنده تر یافت  
و با دوری جستن از هر نوع  
گرایش به قدرتهای سلطه گر  
در خط زنده داشت فرهنگ  
ایرانی که آموزشهای والای  
اسلامی عنصر اصلی آن است  
قرار گرفت.

در رابطه با این جنبش  
ریشه دار، گروهی از جوانان  
میهن که سر غم ویران  
سازیهای اشغالگران از لابلای  
برگهای تاریخ، نیاز ملی  
ایرانیان را بازشناسی  
می کردند تا فروغ راه آینده  
خود سازند از پی گردهم آیی  
چند، در شامگاه پانزدهم  
شهریورماه ۱۳۲۶ «مکتب» را  
بگونه سازمانی آرمانخواه بنیاد  
نهادند.

هنگامی که سالهای  
زندگی یکی از این  
آرمانخواهان جوان - امیر  
سلیمان عظیمی به سی رسید و  
توانست امتیاز انتشار «آبادانا»  
را بگیرد از روز دهم بهمن ماه  
۱۳۲۹ و در اوج پیکارهای  
ضدامپریالیستی برای  
ملی کردن صنعت نفت در  
سراسر کشور، نخستین شماره  
«هفته نامه آبادانا» با  
نوشتارهایی ملت گرایانه چاپ  
و بخش و در دسترس همگان  
قرار گرفت.

در جای دیگر این نوشتار  
آورده شد  
«هوز چند روز از کودتای  
چکمه پوشان و چاقو کشان اجیر  
شده امپریالیستها نگذشته  
بود که ستاد پنهانی حزب  
ملت ایران تشکیل گردید و به  
جای «آبادانا»، «آرمان ملت»  
به عنوان ارگان آن از شنبه  
پنجم دیماه ۱۳۳۲ بیست  
شماره در دو صفحه چاپی  
تاشنبه دهم تیرماه ۱۳۳۳  
انتشار یافت ولی باکشف  
چاپخانه و حمل همه ماشینهای



آبادانا در روز نخستین شماره زندگی خود را آغاز میکند  
تا آنکه با آنکه ایران بزرگ و دلاور ما بر سرکان  
های نفت می آید در سینه های زندهگان نبرد ملی شدن صنعت نفت  
دامن زند

آبادانا خواست امروز توده ملت را تکرار کرده در  
زیر شعار «صنعت نفت در سراسر ایران باید  
ملی شود» راه نبرد را در پیش گرفته بسوی خواستهای بزرگتر  
و آرمانخواهانه ملت ایران به پیش می رود.  
امروز ما برای گسستن بندها و زنجیرهای استعماری که بدست و پای ملت  
ما گذاشته شده بیا ایستاده ایم تا فردا رشته های گران بندگی سیاسی را نیز  
پاره کنیم.

آبادانا بشما، بشماای زنان و مردان ایرانی که روزگاری  
مشغول فرهنگ جهانی بودید و از رودخانههای سیهون  
و سنه تا کرانه های دجله و خروشان واز آبنمای های کوهسار قاف تا ژرفای گودی  
های مروارید خیز بهرین سرزمینی آزادی زندگی می کردید بانکه می زند  
بای خیزید و بنیچه های بریتانیای استعمارگر را از جبهه های نفت خویش قطع کنید  
تا در پناه آزادی اقتصادی یک گام بلند بسوی بزرگی و پیروزی به پیشرفته باشید،  
امروز امپریالیسم انگلستان در سراسر جهان بهمانی سرگوب و ناساتوان شده و  
بهترین هنگام برای ملی کردن صنعت نفت و بهره برداری از آن است. انانگلیس  
فرا رسیده است زیرا انگلستان هرگز شیر سالخورده ای نیست که در کنار خود هر  
چه ضعیف را برورد، بلکه بریتانیا دزدک خورده است که از  
طرف صاحبان اموال مسروقه به ختی تعجب می شود.  
این دزدان دریایی که ناتوانی خود را در نگاهماری کانهای نفت برمانی  
بدینا نشان دادند، درمنازلی از چند هزار باقی گونیست هکت خورند و سرتاپا  
در نفت و آلودگیها فرو رفته اند، در برابر اراده نیرومند ملت دایر ایران نیز  
تارومار شده تا گریز از پناگری های خود بدست بر خواهند داشت.  
انگلیسبای اینکه چاههای تازه ای در جنوب ایران حفر کند شایسته تر  
است که گور امپراطوری خود را کنه و بداند که اگر مجلس شورا  
مجلس ترجمین شرکت چیاولچی نفت را بر بانک ملت ایران در  
اینکار پیشتر و بیفکام خواهد شد.

آبادانا بلندگوی خواست ملت ایران است تا این که هر  
بیگانه ای که بای جهانگیری و استعمارگری او دامن  
ماتما رسیده اعلان جنگ مرده، دست نشاندگان بیگانهها نیز باید بداند که ملت  
ایران حساب آنها را از حساب ارباب هایشان جدا خواهد کرد  
هویت حاکم بیگانه تر از بیگانهها همیشه ایستاد اربابها با بر سرخواست  
ملت ماکوفته و در این میدان هزار اسبه ناخته است ولی ما باین کودکان مکتب  
امپریالیسم باید سکوت کنیم که آتش خشم ملت آزاده ایران سرانجام دشمنان خود را  
سوخته و با بر بار کردن حکومت ملی بسوی آزادی و بزرگی پیش خواهد ناخت  
زنان و مردان ایران! شما فرزندان همان پدرانی هستید که  
از فارس پیاده براه آمدند تا آنرا با نظام شهر سارد آتش  
زند آنگون پاخیزید و دست در دست هم پرچم پر افتخار  
ایران را بر فراز قله های عظمت و آزادی بر افرازید، پاخیزید  
و به پیش بروید، پیش بسوی آینده، بسوی آزادی، بسوی  
پیروزی.

آرمان ملت  
ارگان حزب ملت ایران  
دوره پنجم سال یکم شماره ۴۲  
صاحب امتیاز و مدیر: امیر سلیمان عظیمی  
زیر نظر شورای نویسندگان  
خیابان سپهدقوسی خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷  
شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳  
صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴



ارگان حزب ملت ایران

# کارمندان دولت را دریابید پایمال کردن قانون اساسی!!

## اجازه ندهید این گروه اجتماعی شرافتمند به بردگی انحصار گران در آیند

در هیچ جای دنیا هم نتوانسته‌اند از این طریق به جایی برسند و حداکثر توفیق آنها ایجاد جو اختناق و ریاکاری بوده است آنهم پس از مدتی انفجارهای «سازمانی» بوجود آورده که پاره‌ای وقتها، حتی نظام حکومتی را به لرزه انداخته است.

\*\*\*

پس از انقلاب اسلامی، دولت موقت و بدنبال آن دولت‌های دیگر، در خط پاکسازیهایی اداری قرار گرفتند اما هیچکدام اصل قضیه را مورد توجه قرار ندادند و انقلابی و اسلامی با موضوع روبرو نشدند یعنی:

– نیازهای جامعه در این دو سال مورد بررسی قرار نگرفت تا بر بنیاد آنها نظام اداری ایجاد گردد.

### کارمندان شریف دولت را، جاسوس و خبرچین نکنید

– چون نیازها شناخته نشده بودند، کار بدستان نتوانستند نیروهای مورد توجه را از میان کارمندان سابق انتخاب نمایند.

در نتیجه بجای «گزینه» نیروهای کارآمد، به «حذف» نیروهای گذشته پرداخته شد.

در مسأله حذف، یا بزبان دیگر «پاکسازی» چون ضابطه و ملاک درستی فراهم نشده بود، تنها برخی وابستگان نظام پیشین و گروندگان به کانون‌های قدرت برون مرزی، کنار نهاده نشدند، گاه پاره‌ای اشخاص فاسد و بی‌اعتبار، خود را در زمره «مکتبی‌ها» قرار دادند و عهده‌دار مسئولیت‌هایی شدند و گاه افراد پاک و بی‌غرض و کارداران به علت حب و بغض‌های شخصی از کار برکنار گردیدند.

نتیجه دو سال دست اندازی دولت‌های پس از انقلاب بر سازمان‌های کشوری از گذشته به جای مانده، عقب‌تر برون نظام اداری و بی‌اعتباری نهادهای دیوانی و فلج کردن کارهای کشوری است که هم‌اکنون بر سرتاسر ایران، از سازمان نخست‌وزیری و وزارتخانه‌های گوناگون تا دایره کوچکی در دهستان دور افتاده حاکمیت یافته و حتی برنامه‌های درست راهم از پویایی انداخته و هم مردم را که عاشق انقلاب بودند، سرگردان و نومید ساخته است.

\*\*\*

چند روز پیش دولت حاکم بر ایران انقلابی، با بردن لایحه‌ای به مجلس زیر عنوان «لایحه بازسازی نیروی انسانی» به حاکمیت انحصار گرانه کانون قدرت گسترده‌تری داد و بی‌شک با تصویب این لایحه آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های بیشتری در جامعه بوجود خواهد آمد.

### باطرد لایحه بازسازی نیروی انسانی از مجلس دیگر به دولتهای بی اعتبار اجازه ندهید حیثیت ملت و حرمت انقلاب را لکه دار سازند

با اینکه دولت انحصارگر، اگر تابع قانون بود، بخش‌های عمده‌ای از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در رابطه با آزادی‌های فردی و اجتماعی زیر پا نمی‌گذاشت، و در باب «قضا» و احقاق حقوق مردم، ستمگری و اجحاف روا نمی‌داشت، اکنون با دادن این لایحه می‌خواهد به تمام حرکتهای ضد انقلابی خود جنبه قانونی بدهد و تصفیه‌های عقیدتی و پایداری‌های انسانی و پرهیز گریه‌های کارمندی را به عنوان دروغین «اسلامی کردن نظام اداری» از میان بردارد و از کارمندان آبرومند و شایسته کشور که به اسلام و انقلاب و رهبری آن علاقمندند، بردگان سر بزر و بی‌شخصیت بسازد که به تحقیق این گروه اجتماعی گسترده در برابر آن واکنش‌های تند نشان خواهند داد، به همان سان که در برابر نظام قوی‌تر سابق بپاخاستند و به پیکارهای خونین کشیده شدند.

لایحه جدید، شصت و یک ماده دارد و بخش‌های عمده آن عبارتند از:

– نحوه تشکیل هیأت‌های جدید بازسازی (پاکسازی)

– هیأت‌های تجدید نظر

یکی از ویژگی‌های حکومت‌های توتالیترستی در جهان، نابود کردن تنوع و استکار و حاکمیت اصل یکپارچگی برشالوده قدرت در سراسر جامعه است. دولتهای رومدار از این نوع، گمان می‌برند که حق نابهاست بدلیل اینکه اعتقاد دارند «الحق لمن غلب!»

ایمان که علیه خود را همیشگی تلقی می‌کنند، اندیشه خود را بخردانه‌ترین اندیشه‌ها میدانند، کردارهای خود را درست‌ترین کردارها می‌شناسند و سخنان خود را بهترین سخنان می‌شمارند.

زورمداران حاکم در گمان‌پروریهای خود، توسل قدری، و «فرعونیت» می‌رانند و چون با واکنش‌های فطری بشر که آزادی و نظم انسان‌گرایانه، بسپادهای آن است، روبرو می‌شوند دیگر نه توان پیش راندن در آنان باقی می‌ماند و نه می‌توانند به عقب بازگردند، ایسان در سراسر سقوطیه دوزخ خودساخته پندارها و کردارهایشان فرو می‌روند و لایم عذاب الیم بما كانوا یكذبون.

### حاکمیت سرگردانی و نومیدی در سرتاسر ایران از سازمان نخست‌وزیری تا دایره کوچک یک دهستان!!

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان گردیده که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است «هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» (بند ۶ اصل سوم) را محو نماید تا «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» (بند ۶ اصل دوم) تحقق یابد و جامعه نیز بسوی تأمین «قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی» (بند ۷ اصل دوم) حرکت نماید و «همبستگی ملی» را فراهم آورد.

با اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

از «رشد فضائل اخلاقی و براساس ایمان و تقوی» (بند ۱ اصل سوم).

– «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» (بند ۷ – اصل سوم).

– «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه» (بند ۹ – اصل سوم).

– «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» (بند ۱۵ – اصل سوم) سخن به میان آمده است.

با اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

– «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است» (اصل بیست و دوم).

– «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» (اصل بیست و سوم).

– «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.»

«دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» (اصل بیست و هشتم).

– «رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری» (بند ۴ – اصل چهارم و سوم).

اما در عمل، کردارهای حکومتی، برضد قانون اساسی که منشور خونین انقلاب اسلامی ملت ایران است، نظم پیدا می‌کند.

### مسلمان بودن هر کارمند اداری باید به تشخیص «مکتبی‌ها» باشد

این نظم، مبتنی بر قانون نیست، نظمی است که برخاسته از زورمداری می‌باشد، به همان سان که در حکومت‌های توتالیترستی وجود دارد و به تحقیق «نظم» هائی از این دست که بر بی‌قانونی، آزادی‌کشی، اجحاف و انحصارگری بنیاد یافته باشد. سخت بی‌اعتبار و سست و میان تهی است و با کوچکترین حرکت مردمی واژگون خواهد شد، بسان حکومت همه قلدران و سلطه‌گران، وابسته و غیروابسته، از جمله نظم «رستاخیزی» سلطنت ساقط شده که می‌تواند، روشن‌ترین و گویاترین درس برای کاربدستان کنونی ایران باشد که «الملک یبقی مع الکفر و لکن لایبقی مع الظلم!» رسم بر این است که با دیگر گونی در نظامهای سیاسی، در سازمان‌های اداری کشور نیز تغییراتی

- چهل و هشت نوع جرم و خطا
- انواع مجازاتها
- مجازاتهای مستولان سابق
- ضوابط انفصال دائم
- مجازات تشکیل گروه‌های غیر قانونی
- اختیار هیأت‌های بدوی و تجدید نظر
- محل‌های هیأت‌های بازسازی

تهیه لایحه، پس از مدت‌ها وقت گیری، زیر نظر «کارکشتگان» کانون انحصارگری نوشته شده و با این رنگهای «مکتبی» طوری تنظیم گردیده که صاحبان قدرت به راحتی بتوانند هر کس را از کار برکنار نمایند و هر کس را که خواستند بکار بگمارند.

### دولتهای زورمدار اندیشه‌های خود را بخردانه‌ترین اندیشه‌ها میدانند و کردارهای خود را درست‌ترین کردارها می‌شناسند و سخنان خود را بهترین سخنان می‌شمارند

«هیأت عالی نظارت بر بازسازی نیروی انسانی» در همه وزارتخانه‌ها موسسه‌های دولتی یا وابسته به دولت، دانشگاه‌ها و مدرسه‌های عالی، از پنج تن تشکیل می‌شود:

– یکتا از سوی مجلس شورای اسلامی (= پایگاه قانونی انحصارگران)

– یک تن از سوی شورای عالی قضائی (= پایگاه قضائی انحصارگران)

– یکتا از سوی نخست‌وزیر (= پایگاه اجرایی انحصارگران)

– دوتن از سوی وزیر یا بالاترین مقام سازمان (= که خود از وابستگان کانون انحصارگری است).

هیأت‌های بدوی و تجدید نظر که باید فراهم آورنده سند‌های لازم و به احتمال مدافع کارمندان باشند، آنها هم از سوی «هیأت عالی نظارت» برگزیده میشوند یعنی آنها هم از وابستگان کانون انحصارگری خواهند بود و اگر شخصی جز آنها انتخاب شود طبق بند ۵ ماده سوم، باید «آموزش‌های لازم!» را قبل از شروع کار دریافت دارد.

هریک از اعضای هیأت‌های سه گانه به محض سرپیچی از دستورهای کانون قدرت، طبق بندهای ماده پنجم از کار برکنار خواهد شد و در هر وزارتخانه، یک معاون هم به معرفی و دستور نخست‌وزیر بطور ویژه بر کارها نظارت خواهد کرد. درباره عضویت در این هیأت‌های سه گانه در ماده دهم بند الف نوشته است که باید:

مسلمان و متعهد و در حد قیام به فرائض و ترک مناهای شرع باشند «خدا کند چنین باشند اما هیچ مسلمانی، نمی‌تواند ادعا کند که در مقام «ترک مناهای» است چون در زندگی بشر آن قدر «مناهی» وجود دارند که معلوم نیست یک مسلمان صادق و متعهد و قائم به فریضه‌ها، تا چه اندازه قادر به ترک همه آنها است، و به محض اینکه نسبت بوجود آید آشکارا نیست تا چه اندازه ترک مناهای عامل عضویت دو هیأت‌های سه گانه می‌تواند باشد.

این خود «دم خروس» است که در لایحه آمده تا فقط «مکتبی‌ها» واجد شرایط به عضویت هیأتها در آیند، یا به بیان دیگر فقط کسانی که «مکتبی»‌ها، تشخیص مسلمانی او را بدهند، «ترک مناهی» کرده‌اند!

طبق ماده دوازدهم «گروه‌های تحقیق و بررسی» در هر وزارت خانه‌ای زیر نظر هیأت‌های سه گانه تشکیل میشود تا:

– پرونده متهمان اخراجی را مطالعه نمایند.

– تحقیقات محلی بعمل آورند (در غیاب متهم)

### نظم «رستاخیزی» سلطنت ساقط شده، می‌تواند روشن‌ترین و گویاترین درس برای کاربدستان کنونی ایران باشد

– با متهم مصاحبه کنند.

– وضع متهم را قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بررسی نمایند.

– گزارش این گروه‌ها که برگزیده کانون انحصارگری هستند طبق ماده سیزدهم «در حکم اسناد معتبر محسوب میشود.»

گروه‌های تحقیق داشتن چهل و هشت نوع جرم و خطا را مشمول قانون میدانند یعنی هر کس را می‌توان به نحوی مجرم و خطاکار دانست و

– هیأت‌های تجدید نظر



# کنفرانس سران کشورهای اسلامی

در کشورشان بر سر کار آمده‌اند و روابط بسیار نزدیک با امپریالیسم آمریکا دارند و در محفل‌های سیاسی جهان به نگاهی گذرا به بافت اجتماعی و نظام حاکم در کشورهای که کلمه «اسلامی» را بدنبال خود یدک میکشند و ساخته و پرداخته جهان‌نوازان غربی و پاسدار منافع استعمارگران کهنه و نو در آسیا و آفریقا هستند نشان میدهد که تا کجا میتواند طرفدار جنبش غیر متعهد باشد!

تاریخ ملت‌ها شاهد کنفرانس‌های رهبران و سران این کشورهای به اصطلاح اسلامی بوده است که همه‌ی تصمیم‌ها و حرکت‌هایشان در چارچوب تحقق هدف‌های سلطه‌گران غربی بوده است.

آتش سوزی مسجد الاقصی در سال ۱۳۴۸ در ریاض پایتخت مراکش به ابتکار ملک فیصل پادشاه در گذشته عربستان سعودی که پس از مرگ جمال عبدالناصر داعیه رهبری دنیای عرب را داشت بوجود آمد و دومین کنفرانس سران اسلامی در سال ۱۳۵۲ در شهر لاهور پاکستان پس از شکست این کشور از هند و جدائی بنگلادش تشکیل شد تا به کارهای جهان سوم اسلامی رسیدگی کند و محور اصلی گفتگوها در ظاهر دفاع از منافع حیاتی ملت‌های اسلامی و پایان دادن به اشغال بیت‌المقدس بود ولی در باطن چه بسیار زود بندهای زینبار را در پی آورد.

سومین کنفرانس سران کشورهای اسلامی که دستور کار آن وسیله وزرای خارجه این کشورها پس از یک اجلاس شش ساعته سری تهیه شد و با اهمیت‌ترین موضوع‌های آن: تلاش در جهت آزادی بیت‌المقدس و هماهنگی در برخورد با اسرائیل اشغالگر حمایت بیشتر از مردم مسلمانان است که در افغانستان با ارتش سرخ در حال جنگ هستند، و بررسی جنگ عراق و ایران و حل اختلافات عمیق میان عربها قرار گرفت.

جلسه شورای وزیران خارجه به کیسیون‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم شده بود تا برنامه کار اجلاس سران را تنظیم کند و وزرای خارجه اعلام کردند پایان دادن به جنگ ایران و عراق از اولویت خاص برخوردار است.

در این میان تفسیر خبرگزاری الجزایر جلب توجه میکند که حکایت از شک و تردیدی دارد که کنفرانس طائف بتواند یک راه

حل فوری برای درگیری‌هایی که جهان اسلام را زهم می‌گسلد بیاید و به شیوه‌ای قاطع برای احقاق حقوق مسلمانان تحت سلطه صهیونیسم گامی بردارد. در مورد جنگ عراق علیه ایران خبرگزاری الجزایر خواسته است تا کنفرانس، تمام کوشش لازم را برای پایان دادن به این جنگ و برادرکشی انجام دهد، زیرا این جنگی است که نتایج آن برای مردم هر دو کشور وهم برای تمام کشورهای اسلامی وجیبه ضدامپریالیستی از حساب خارج است.

بپذیرند. در این کمیته باید دبیر کل کنفرانس اسلامی و نمایندگان کشورهای سنگال و گامبیا و پاکستان و بنگلادش و ترکیه و گینه و سازمان آزادیبخش عضویت داشته باشند. کنفرانس پیش‌بینی کرده در صورت درخواست این کمیته جهت تحکیم آتش‌بس! بی‌درنگ یک نیروی اسلامی تشکیل گردد.

کنفرانس در اعلامیه پایانی خود بر علاقمندی کشورهای اسلامی برای تقویت سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی! که چارچوب سالمی برای همکاری و وسیله‌ای برای حل اختلافها و از میان بردن بحرانها می‌باشد تاکید کرده است.

چون مهمترین انگیزه تشکیل کنفرانس، تلاش برای پایان دادن جنگ عراق و ایران و تضمین جریان نفت بویژه به کشورهای صنعتی که نگرانی قطع صدور این ماده حیاتی را از خلیج فارس دارند بود، با امتناع ایران از شرکت در کنفرانس طایف این گروه‌آئی دچار دشواری بزرگی گردید.

درباره اشغال افغانستان هر اندازه تصمیم آنها، شدید و جدی باشد باز نخواهد توانست موجبات خروج قوای روسیه را از خاک افغانستان فراهم کند زیرا این قطعنامه‌ها و اعلامیه‌هایی در محکوم کردن اشغالگر نمی‌تواند ثمری باشد و ارتش سرخ را وادار به خارج شدن از افغانستان نماید.

در مورد پایان دادن به اشغال بیت‌المقدس و خروج از سرزمین‌های اشغالی فلسطین مثل همیشه و همه کنفرانس‌های قبلی که سران کشورهای عربی تشکیل داده‌اند بی‌نتیجه خواهد بود و کدام عقل سلیم می‌پذیرد که ملک حسن یا ملک حسین و ملک خالد و دیگر سران

خود فروخته‌ای که آلت اجرای سیاست‌های استعماری هستند در عمل گامی برخلاف سیاست امپریالیسم آمریکا و ژاندارم آن در منطقه یعنی اسرائیل بردارند و برای تحقق آرمانهای ملت فلسطین همه منابع اقتصادی و نظامی خویش را بکار گیرند. این سران کشورهای به اصطلاح اسلامی، به شهادت تاریخ، بارها با کثیف‌ترین دشمنان اسلام و مردم کشور خویش برای ادامه حکومت ستمکارانه دست دوستی داده‌اند و چه بسیار توطئه که علیه دیگر کشورهای اسلامی جیده‌اند. بر اساس گزارش‌های خبرگزاری‌ها در طول مذاکرات هیأت‌های نمایندگی کشورهای اسلامی در طائف در یک جلسه خصوصی سعودی‌ها برای ضربزدن به انقلاب اسلامی ملت ایران به توصیه کیسینجر دلال معروف صهیونیسم و وزیر خارجه اسبق آمریکا که از مشاوران فعلی دولت ریگان و وزیر خارجه ژنرال الکساندر هیگ می‌باشد طرحی پیشنهاد کرده‌اند که اساس آن ایجاد اغتشاش در بخش‌هایی از ایران است که بیشتر برادران اهل تسنن در آنجا سکونت دارند. عراقیها ضمن تأیید این طرح قول دادند همه امکانات خود را در اختیار این برنامه قرار دهند و ملک حسین پادشاه اردن هم سرسخانه از آن دفاع جانانه‌ای کرد.

کسانی بودند که شرکت ایران در کنفرانس سران کشورهای به اصطلاح اسلامی را ضروری می‌دانستند و آن را نوعی خروج از انزوای سیاسی تلقی میکردند ولی گردش کار این گروه‌آئی بدون تجانس بخوبی نشان داد هرگز نباید فریب هم ماندنی‌های ظاهری را خورد به دام‌هایی که دست نشانده‌گان اسر قدرتها میگسترند فرو افتاد. نمایندگان دولت جمهوری اسلامی تنها نمیتوانند با فرستادگان دولتهائی نشست و برخاست و گفتگو داشته باشند که به راستی از استقلال بهره‌ور هستند و در زیر هیچگونه سلطه بیگانه قرار ندارند و به آزادیهای فردی و اجتماعی نیز احترام می‌گذارند و با رای مردم خود روی کار آمده‌اند.

به عبارت دیگر نظام حکومتی و شیوه عمل سران و رهبران این کشورها که هم از بیگانگی میزنند ناسازگار با آموزشهای والای اسلامی بوده و هست و گردهمائی‌هایی از این دست به یک نمایش فریبکارانه شبیه است تا بررسی و تبادل نظر پیرامون یافتن راه حل‌های مناسب برای پایان دادن به ستمها و مصیبت‌هایی که دامنگیر ملت‌های مسلمان جهان میباشد. رویدادهای چند ساله گذشته و کنفرانس‌های سران کشورهای اسلامی نمایانگر ناتوانی، بی‌لیاقتی عدم صداقت و گزافه گوئی‌های دولت‌مردان دست پروده بیگانه می‌باشد که با اشاره اربابان به هنگام ضرورت با نشستها و گفتگوها به توافق‌های پنهانی و صدور بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها میپردازند و کنفرانس طائف هم سومین گروه‌آئی از این نوع بشمار میرود.

نخستین کنفرانس بدنبال

به راستی چه کسی است که نداند در جریان تجاوز دولت بعث عراق به ایران دولت‌های اردن، عربستان سعودی و کویت همه امکان‌های نظامی خود را در اختیار این دولت‌ها قرار دادند و یا در نقش

عراقیها ضمن تأیید این طرح قول دادند همه امکانات خود را در اختیار این برنامه قرار دهند و ملک حسین پادشاه اردن هم سرسخانه از آن دفاع جانانه‌ای کرد.

به راستی چه کسی است که نداند در جریان تجاوز دولت بعث عراق به ایران دولت‌های اردن، عربستان سعودی و کویت همه امکان‌های نظامی خود را در اختیار این دولت‌ها قرار دادند و یا در نقش

شهادت سرباز وظیفه حمید مجدی را به خانواده‌های مجدی- عبدی اسماعیلی و سرکار خانم اسماعیلی تسلیت میگوییم و سربلندی بازماندگان شهید نبرد میهنی را از درگاه آفریدگار بزرگ خواستارم.

محسن عبدلی

آن در مجلس با مخالفت حقوقدانان و اعضای شورای نگهبان روبرو خواهد شد. اصل یکصد و شصت و هشتم واصل یکصد و هفتاد و دوم واصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی

**کارمندان دولت با تمام گرفتاریها و تحت نظر قرار داشتن‌ها، علاقمندی فراوانی از خود نشان دادند و با شرکت در اعتصاب‌ها و انتشار اعلامیه‌ها و کمک‌های مادی و معنوی دیگر، در جلوی صف‌های انقلاب قرار گرفتند**

هم‌اکنون به راحتی می‌توان بسیاری از وزیران کابینه را در رابطه با آن جرم‌ها و خطاهای یاد شده در لایحه دستگیر و زندانی کرد!

بعضی از جرم‌ها و خطاها، چنان است که باید مورد توجه هر دولت انقلابی قرار گیرد و ارتکاب کنندگان آنها را به شرط وجود دلایل کافی از کارها برکنار نماید چون:

- همکاران ساواک
- تحکیم کنندگان رژیم گذشته و حزب رستاخیز
- جاسوسان
- فراماسونها
- نمایندگان مجلسین سابق (نه از بعد از ۱۵ خرداد بلکه از فردای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)
- کسانی که هم‌اکنون به نفع دول بیگانه و ضد انقلاب فعالیت می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران، جرم‌های سیاسی و نظامی و انتظامی را در حد قوه قضائیه دانسته و نحوه تشکیل هیأت منصفه و محاکم را مشخص نموده است، حتی برای احقاق حق، پیش‌بینی دیوانی بنام «دیوان عدالت» را کرده است.

حیات‌های سه گانه یاد شده در لایحه، حق دگرگون کردن به تصویب رسیده‌های مردم را که در قانون اساسی تبلور یافته، ندارد و بدین اعتبار دادن چنین لایحه‌ای ضدقانونی به مجلس می‌تواند جرم حساب شود!

در این لایحه به تنها مطلبی که اشاره نشده است، جنبه‌های تربیتی و اخلاقی است گوئی انقلاب ملت ایران «اسلامی» نبوده و فقط دارای ساخت مادی و اقتصادی و انتقام‌جویانه می‌باشد.

در هیچ ماده و بندی نشان داده نشده است که اگر کارمندی در صورت داشتن «گناهان صغیره» خواست به راه انقلاب گام نهد، چه باید بکند. آیا «عفو» و «صلح» در اسلام جائی ندارد؟

بفرض که «اعتقاد نداشتن به مکاتب غیراسلامی» روشن باشد، مقصود نویسندگان لایحه از «مسئله‌های انحرافی» چیست؟ از «غیرقانونی» بودن مسلک‌ها چه هدفی دارند؟ جز اینکه بطور دقیق با تصفیه عقیدتی میخواهند «مکتبی» ها و گروهی را که خط و ربط «حزب حاکم» را قبول دارند، بکار بگمارند و بقیه را بشدیدترین وضعی که حتی در حکومت‌های توتالیترستی هم نظیر ندارد، سرکوب نمایند.

شاه خائن، و خلع نابود شده، نیمی از حرف‌های آنان را در باره «حزب رستاخیز» زد و آوارگی و فلاکت خود را فراهم آورد، آیا گمراهان پسند نمی‌گیرند؟ روشن نیست چگونه بخود اجازه داده‌اند، چنین لایحه ضداسلامی و ضدانسانی را تهیه نمایند و به مجلس بدهند و مجلس هم

با زور و ایجاد ترس و وحشت و حتی القاء ایدئولوژی از هر نوع، نمی‌توان نظام اداری یک کشور را مردم سالارانه پایه ریزی کرد

آقایان بی‌خبر از اسلام، ملت ایران در اسلام انقلاب کرده است و با اسلام بزرگترین حماسه تاریخ را بوجود آورده است و هیچکس قادر نخواهد بود این مدارا و این بزرگمنشی این حرکت و آزادی را نابود سازد و شما ای نمایندگان ملت، شما که در برابر نابخردانترین لایحه‌های ضدانسانی و غیراسلامی قرار گرفته‌اید، به وظیفه نمایندگی و اخلاقی و ملی خود عمل کنید و با طرد لایحه از مجلس، دیگر به دولت‌های بی‌اعتبار اجازه ندهید، حیثیت ملت و حرمت انقلاب را لکه‌دار سازند و با ناآگاهی‌ها و غرض‌ورزی‌های خود، جامعه را بتلاشی کشانند و سلطه بیگانگان را بر میهن رها شده ما استواری ده

یک فوریت آنها تصویب کند؟ چگونه بخود اجازه میدهند مردم ره‌اشده و حیثیت یافته‌ای را که بر بنیاد آموزش‌های انسان‌ساز اسلامی می‌خواهند، زندگانی سرفراز و انسانی

زمان، زمان حمیت است و تاریخ بدآوری نشسته است.



# جنگ قدرت در واحدهای صنعتی

نیمه این واحدهای صنعتی اینک این پرسش طرح است که آیا ملی شدن این واحدها و در اختیار قرار گرفتن آن توسط دولت یا نهادهای انقلابی چه سودی تاکنون، در برداشته است؟

آیا دولت و یا نهادهای انقلابی در این مدت توانسته‌اند با برنامه ریزی درست در رابطه با استقلال اقتصادی کشور قدمی در راه نوابستگی بردارند. آیا دولت، توانسته است نارسائی و دشواریهای صنایع را به تدریج بر طرف و در راه افزایش تولید اقدام آزردهای به عمل آورد.

آیا کاربدستان حکومت توانسته‌اند نظام بومی در جهت گرداندن این واحدهای صنعتی که قسمت بزرگی از ثروت ملی ایران را تشکیل میدهد به وجود آورند.

آیا توانسته‌اند شیوه صحیحی در توزیع فرآوردها به کار بسته و دست رانظها و دلالتها و احتکار کنندگان را کوتاه نمایند.

آیا حداقل توفیق یافته‌اند تا تبعیض و اجحاف حاکم بر سرنوشت انسانهایی را که در واحدها کار میکنند بر طرف نمایند و قانونهای شایسته‌ای را در جهت رفاه نسبی آنان فراهم آورند؟

اینها و دهها پرسش دیگر در اجتماع انقلابی طرح گردیده و شانههای بسیار دلالت بر منفی بودن پاسخ آنها دارد و تا کمال تأسف صنایع ایران که میلیاردها ریال از ثروت ملی در آن به مایه‌گذاری گردیده در شرایط نامساعدی قرار داشته و به کار حرمهای ریادی به صورت راکد و تعطیل درآمده و به نابودی کشانده شده است.

دشواری بزرگ و اساسی در راه اندازی و رنده داشت صنایع کارخانهها بفریح «مدیریت» می‌باشد و تجربه نشان داده است که چنانچه مدیرانی شایسته، آگاه و پرتوان اداره کارها را به عهده گیرند، بسیاری از دشواریهای کنونی با برنامه‌ریزی درست و شناخت نیروی انسانی کوشا، در این واحدها قابل حل می‌باشد.

کار بدستان دولت که به اعتراف خود در کار «مدیریت» دچار ضعف و دارای تجربه عملکرد غیر منطقی، صنایع نوپای ایران را به نابودی کشانیده و انحصار طلبی را بدرون واحدهای صنعتی بی‌سوز و دادماند و گروهکهای سیاسی هم از آن بهره شایان گرفته و می‌گیرند.

اینک کارگاه و یا کارخانه‌ای را ملاحظه می‌کنید که موضوع شوراها، انجمن‌های اسلامی و اتحادیه‌های صنفی و شکل این نهادها با مدیریت در آن طرح نباشد.

در همه واحدهای صنعتی سخن از این می‌رود که دولت سیاست خود را درباره سازمانهای کارگری و چگونگی و اندازه دخالت آنها در «مدیریت» را هنوز روشن نکرده است و گفته می‌شود که از یک سال پیش وزارت کار و امور اجتماعی اعلام داشته که آئین‌نامه شوراها در دست تدوین و بررسی است و

پس از تنظیم نحوه عملکرد شوراها تعیین و به اطلاع کارگران خواهد رسید ولی این موضوع نیز ماسد تدوین و تنظیم قانون کار و قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران و همچنین تصویب قانون بیمه بیکاری که در زمان نخستین وزیر کار دولت موقت انقلابی، بررسی نهائی آن به اتمام رسیده بود، هنوز در بوته فراموشی است.

کارگران که ستاره‌های درخشان انقلاب اسلامی ملت ایران به شمار می‌روند و توانستند با اعتصابها و مبارزها دستگاه استبدادی وابسته به بیگانگان را ناتوان و درمانده نمایند و با یاری سایر گروههای اجتماعی به رانو در آورد اینک شاهد نابودی و کاهش فعالیت کارگاهها و کارخانههای خود می‌باشند که در اثر ناتوانی مدیران انتخاب شده به صحنه روز آرمائی و پیشبرد هدفهای انحصار طلبانه گروهی خاص درآمده است.

دولتمردان از راه رسیده هریک به سلیقه خود دشواریها را به نحوی طرح و هریک آهنگی ساز می‌مایند، وزیر به تحکیم پایه‌های شوراها، اسلامی می‌پردازد و وزیر دیگری رسالت انجمن‌های اسلامی را مورد نظر دارد و در این میان در مانده مدیرانی که از طرف چنین کسان و وظیفه‌دار گردانند این واحدهای تولیدی می‌باشند و گذشته از آنکه خود به ناآگاهی و ناکارائی دچار هستند ناسامانی‌های ذکر شده نیز توان هر گونه ابتکار و عمل را از آنان گرفته است.

وزیر کار و امور اجتماعی اعلام میدارد، «شوراها، اسلامی کارگران قانونی میشود و اضافه میکند که شوراها میتوانند و میتوانند از گانهائی باشد که موجب حفظ و تداوم انقلاب و برقراری قسط اسلامی شوند»، ایشان بر قانونی شدن شوراها تکیه می‌کنند و اظهار میدارند که شوراها را دیگر کسی نمیتواند بیرون نماید» ولی همین وزیر با بهایت علاقه و اشتیاقی که به وجود و کار شوراها دارد، تاکنون آئین‌نامه اجرائی این نهاد را تدوین نکرده است و با وجود آنکه واحدی «بنام سازمان‌های کارگری» زیر نظر ایشان انجام وظیفه میکند به علت مشخص نبودن آئین‌نامه وجود شوراها و نحوه عملکرد آنها هر روز با درگیری‌های گوناگون روبرو میگردد و ناگزیر به کارگرانی که مراجعه مینمایند عدم وجود آئین‌نامه‌های لازم را برای شوراها یادآوری میشود.

جای تعجب است، این وزیر، وجود شوراها را لازم میدانند ولی عملکرد و ارتحانه ایشان در جهت عکس می‌باشد، از طرفی وزیر صنایع و معادن کشور با موضوع به نحوی دیگر برخورد مینماید و اولویت را به انجمن‌های اسلامی میدهد و خواهان گسترش و پای گیری آنها در کارخانهها و واحدهای صنعتی می‌باشد، و پیداست که این برخورد متفاوت تا چه اندازه ناسامانی‌ها را می‌افزاید.

وزیر کار و امور اجتماعی در دیدار خود با شوراها، اسلامی کارگران اعلام میدارد «اعتقاد خود من از اول انقلاب این بود که کلیه صنایع می‌بایستی ملی شوند و ما دیگر از دست این بدهای الف، ب، ج، و دال مینی بر مصادره کارخانهها و واحدهای تولیدی راحت شویم» البته با توجه به درست بودن اندیشه، وزیر دیگری لایحه‌ای به قید و فوریت جهت بررسی دوباره وضع این واحدها و برگرداندن آن به صاحبانش به مجلس شورا می‌برد و یا کار بدست دیگری که استان اصفهان را اداره میکند پس از اتمام سمینار مشترک استانداران و اعضاء هیئت دولت در مشهد در یک مصاحبه اظهار نظر میکند که برای به راه انداختن چرخ تولید از بخش خصوصی دعوت شده تا فعالیت اقتصادی خود را شروع کنند و امکاناتی جهت بررسی طرحها و کمک به آنها توسط دولت فراهم گردیده است و جای تعجب می‌باشد اگر دولت انتظار داشته باشد در چنین آشفته بازاری که هر یک سازی کوک می‌نماید و هدفی و شیوه‌ای دارد امکان فعال نمودن بخش خصوصی وجود داشته باشد. تفاوت نظرها و نداشتن برنامه سازنده از برجسته‌ترین نقص‌های کار است که جمهوری نوپا را فلج و کشور را در رسیدن به خواسته‌های انقلاب، ناتوان خواهد کرد. درست است که نارسائی‌ها و دشواری‌های مختلف صنایع پس از ملی شدن فراوان بوده و به آسانی قابل حل نمی‌باشد ولی با کمال تأسف دیده می‌شود که از زمان ملی شدن نیز در جهت سازندگی و قطع وابستگی‌ها گامی برداشته نشده است.

چندگانگی در نحوه مالکیت و مدیریت کارخانهها کارگاهها «بغرنجی» است که با توجه به جدول ارزش‌های انقلاب، دولت میتواند به سرعت نسبت به آن تصمیم‌گیری نماید و برای بکار افتادن پرورش استعدادها افراد گام سودمندی بردارد. فقدان نیروی کارآمد، پس آمدی وحشتناک در واحدهای تولیدی را دستخوش کشمکش‌های انحصار طلبانه کردن و همچنین صف‌آرائی کارگران برابر مدیران انتخاب شده و بالعکس نقش خلاق واحدهای تولیدی را از میان برده و فاجعه‌ای این چنین به بار می‌آورد و کارگاهها و کارخانهها را بر کود و تعطیل می‌کشاند.

# کتابسوزان؟!!

بگوید و بنویسد، این چنین بیرحمانه و بیخردانه می‌تازند و توانائی و تحمل شنیدن یا خواندن کوچکترین انتقادی را هم ندارند.

چگونه میتوان باور کرد که در جمهوری اسلامی ایران کارهایی صورت بگیرد که هیچگاه نظام سلطنتی وابسته به بیگانه، از ترس خشم مردم، جرأت انجام یکی از آنها را هم نداشت.

این منظر را شما از کجا به عاریت گرفته‌اید که هرگونه اظهار نظر مخالف و هر نوع ایرادی را باید درهم کوبید و گوینده و نویسنده را به نیستی کشانید؟

کدام قانون و کدام شرع و کدام اصل اسلامی و کدام «مکتب» بشما چنین اجازه‌ای داده است که تا این حد به حرمت قلم و آنچه مینویسد تجاوز روا دارید؟

این کدام ضدانقلاب است که کتاب «پرتوی از قرآن» را محکوم به اعدام می‌کند؟

این کدام ضدانقلاب است که این همه قدرت و نیرو دارد که در روز روشن کتابهای به قول شما «ضدانقلابی» را از کتابفروشیها بسرقت ببرد و در دل شب با کوکتل مولوتف همه‌ی کتابهای یک یا چند کتابفروشی را به آتش بکشد؟

این چه نیروی فوق تصویری است که شما، دست‌اندرکاران امور قضائی و انتظامی، از شناسائی آن ناتوان هستید؟

اگر شما آنچه مینمائید هستید، از چه رو مردم باید از ترس ساواکیهای جدید جلد کتابهای خود را با راورنامه بپوشانند و آن رادرهفت سوراخ پستی خانه‌ی خود پنهان کنند، بکند یکی از معتمدان شما آنها را «لو» بدهد و دادگاههای شما هم به جرم داشتن «کتابهای مضره» به چندین و چند سال حبس محکومشان کند و بعد هم معلوم شود که آن کتاب پرتوی از قرآن «آیت‌الله طالقانی» بوده است.

آن روزهای پر شور آغازهای انقلاب که مردم دسته دسته به جلوی دانشگاه می‌آمدند و کدام به تناسب موجودی جیب خود کتاب می‌خریدند و به خانه میرفتند چه اشکالی داشت که این چنین کتاب و کتابخوانی را از رونق انداخته‌اید.

نمی‌خواهید بدانید که هیچ نیرویی قادر نیست جلوی آگاهی و خواست مردم راه آگاه شدن بگیرد.

چرا اینهمه با کتاب و سواد و شناخت و دانش، عناد و لجاج دارید. آیا گمان می‌برید که با جلوگیری کردن از انتشار کتاب و سوزاندن کتاب راه به حائی خواهید برد؟ هیئات که.....

اما شما آن نیستید که مینمائید، شما نیک میدانید که چه کسانی و با چه برنامه‌های از

## آگاهی رسمی نوبت اول

پیرو آگاهی انحلال در روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۶۱ مورخ ۵۹/۶/۳۱ شرکت پارس تولیسا با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۲۹۰۱۱ در اجرای ماده ۲۲۵ لایحه قسمتی از قانون تجارت از کلیه بستانکاران دعوت میشود ظرف ۶ ماه از اولین آگاهی بنشانی مدیر تصفیه مراجعه نمایند والا اقدام قانونی معمول میشود. مدیر تصفیه ۳-۱

## نگته‌ها

بقیه از صفحه هشتم

### بی‌اعتمادی به خبرهای روزنامه‌ها؟

ار آنجا که بعضی‌ها به درستی از خبرهای بعضی از روزنامه‌ها تردید دارند (حتی اگر خبرنگار نماینده آن روزنامه هم در محل گزارش یا وقوع خبر بازداشت شده باشد) باز هم برای اطمینان از صحت خبر!! در اولین فرصت سعی می‌کنند سری به آن دیار بزنند و از ته و توی قضیه سردر بیاورند.

سفرهای بعضی از شخصیتها به مشهد و اصفهان و بتازگی هم به همدان، که به دنبال منتشر شدن بعضی خبرها در این شهرها انجام گرفته است، نشان میدهد که دست‌اندرکاران حکومت تا چه اندازه به تحقیق و بررسی اهمیت میدهند!! و در عین حال تا چه اندازه به خبرهای بعضی از روزنامه‌ها بی‌اعتنا هستند!!؟

### احتکار به وسیله تلفن؟!!

یکی از همکاران نکته سنج و دستور دان می‌گفت:

این روزها بی‌توجهی به رسم الخط و دستور زبان فارسی آنقدر وسعت پیدا کرده است که گاهی وقتها آدم آنچنان از خواندن اطلاعیه‌ها و اخبار به‌عاجز میشود که ناچار باید احساس شرمندگی کند و جلوی سرو همسر عرق بریزد.

جمله‌های طولانی و بی و سرو ته متن‌های بدون نقطه و ویرگول و پر از غلطهای اصلائی و دستوری، همه‌ی زیبایی نثر فارسی را از میان برده است.

به عنوان مثال در روزنامه‌های هفته گذشته اطلاعیه‌ای از سوی «دادسرای انقلاب اسلامی تهران، ویژه امور صنفی» چاپ شده بود که ناگزیر شدم دوباره آن را بخوانم تا مفهوم آن را بخوبی دریابم این اطلاعیه که بصورت یک جمله طولانی نوشته شده، اینچنین بود:

«بدینوسیله به اطلاع شهروندان عزیز می‌رساند بازرسی سیار دادسرای انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی تهران با واحدهای مجهز به بیسیم خود آماده است اطلاعات همشهریان عزیز را در رابطه با احتکار دریافت نموده و سریعاً رسیدگی نماید انتظار می‌رود مردم قهرمان تهران این دادسرا را در مبارزه بی‌امان با احتکار به وسیله تلفنهای .... یاری فرمایند.»

ابتدا من فکر کردم کسانی هستند که بوسیله این دو شماره تلفن، احتکار می‌کنند و «بازرسی سیار دادسرای انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی تهران با واحدهای مجهز به بیسیم» خود آماده است اطلاعات همشهریان عزیز را.... ولی وقتی دوباره آن را خواندم تازه مطلب دستگیرم شد.

### متخصص هم متخصص غیر ایرانی؟!!

در صفحه هشتم روزنامه کیهان، تاریخ دوشنبه ششم بهمن ماه، مقاله‌ای آمده بود زیر عنوان «گامی در راه صدور انقلاب اسلامی» در این مقاله، نویسنده، سعی کرده است پیشنهادهایی در جهت صدور انقلاب بدهد و از جمله نوشته است:

«یکی از راههای صدور انقلاب اسلامی، ایجاد یک تشکیلات منظم برای جذب افراد متخصص و متعهد غیر ایرانی است.»

حالا کسی نیست به این «خواهر» یا «برادر» نویسنده بگوید، «رفیق!» تو که می‌گوئی، حداقل جرات داشته باش و راستش را بگو.

مگر متخصص‌های ایرانی چه ایرادی دارند که تو به سراغ متخصص‌های غیر ایرانی رفتی؟

اگر می‌گوئی همه‌ی متخصص‌های متعهد ایرانی را که «مکتب» نیآورده‌اند!! از کارها کنار گذاشته‌اند، خوب دلیل نمیشود که غیر ایرانی‌ها، بطور حتم «مکتب» دار باشند. حالا متخصص‌های ایرانی اگر «غیر مکتبی» هستند، خیلی‌هایشان تعهدشان را حفظ کرده‌اند، اما احتمال اینکه غیر ایرانی‌های «مکتبی» تعهدشان را خیلی زود از یاد ببرند، خیلی زیاد است!!

آنوقت صادرات انقلاب ما هم میشود مثل صادرات کالاهای داخلی که به شکر، بهی داشت «دولت مکتبی» به «صفر» رسیده است.

پیش حساب شده‌ای دست به کتاب سوری و رور نامه دردی میرند.

شما بخوبی آگاه هستید که چه کسان با کمک و پشتیبانی کدام گروه دارای سلاح گرم و سرد به دفتر روزنامه‌ها حمله می‌کنند.

شما به درستی میدانید که چه کسانی امنیت شغلی خبرنگاران و روزنامه نویسها را با خطر می‌اندازند و آنها را به جرم مخایره اعلامیه‌ی فلان روحانی

بازداشت می‌کنند و به زندان می‌اندازند. شما اگر خود طرح کننده این نقشه‌های بیگانه شادکن نباشید، بی شک اجرا کنندگان آن‌ها را یک به یک میشناسید.

اگر ندانید و شناسید باید گفت که کلاهتان پس معرکه است و بدا بحالتان که این چنین آرام و بی خیال نشسته‌اید و چنین فاجعه‌هایی بیخ گوشتان رخ میدهد.



## گستاخی ریگان

طرح کردن موضوع بازداشت جاسوسان آمریکائی به این شکل، ایران را در موضع نامساعدی قرار می‌دهد. و برای دشمنان زمینه فراهم می‌آورد که بر انقلاب بتازند.

باید یکبار و برای همیشه این نکته را روشن کرد که بازداشت‌شدگان آمریکائی در ایران به کار جاسوسی و توطئه‌چینی اشتغال داشته‌اند و عنوان نمایندگی سیاسی را به گونه‌ی پوششی برای کار اصلی خود برگزیده بودند.

باید سندها و مدارک‌های بزهکاری این گروه و پیشینیان آنها را هم به صورت اصل و هم به صورت ترجمه به رسانهای گوناگون در سرتاسر جهان انتشار داد تا مبادا کسی تصور کند که امریکائی‌ها به «گروگان» گرفته شده بودند.

باید با یک هجوم تبلیغاتی گسترده، فضائی را که امپریالیسم آمریکا پیرامون موضوع جاسوسان بازداشت شده پدید آورده در هم شکست و همه‌ی واحدهای سیاسی و همه‌ی نمایندگی‌های ایران در خارج را واداشت تا بخش سزرگی از نیرو و کوشش خود را در این زمینه به کار گیرند و اجازه ندهند که ذهن مردم جهان را نسبت به مبارزه دادگران ملت ایران این چنین مشوب گردانند.

چنانکه دیده می‌شود همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا برای واژگونی جلوه دادن چرائی و چگونگی بازداشت جاسوسان به حرکت درآمده و می‌کوشد تا از این گروه بزهکار، چه‌مهایی پاکیزه و ستم دیده و قهرمان بسازد.

باید در برابر این لشکر کشتی تبلیغاتی که می‌تواند زمینه توطئه‌های گسترده بعدی امپریالیسم آمریکا علیه ایران باشد به واکنش جدی پرداخت. امپریالیسم آمریکا در تلاش است تا جوشش انقلابی ایران را به مردم خود و دیگر ملت‌های جهان به گونه‌ی یک تهاجم رها و

مردان احضارگر دورنگری به خرج داده می‌شود و دست کم از کارهای خلاف بازداشت‌شدگان یادی می‌گردید و امپریالیسم آمریکا به رشتکاریهای گذشته اقرار و سه پرهیز از چنان روش‌هایی تعهد می‌کرد، امروز کثیفترین ستمکاران هم‌هی زمانها و همه‌ی مکانها نمی‌توانستند در جلوه‌گاه بین‌المللی قیافه حق به جانب خود بگیرند.

شیوه برخورد با جاسوسان بازداشت شده و نشان دادن تردیدها و دودلی‌های فراوان و سرانجام چشم پوشیدن از دادرسی ایشان که می‌توانست روشگریهای بسیار در برداشته باشد باعث شد که امپریالیسم آمریکا فرصت بسیاری جهت ترمیمی‌های زشت به کف آورد و حتی «ریگان» با گستاخی آشکارا بگوید ضرورت دارد «در» ایران دولتی روی کار آید که اختیارات یک دولت واقعی را داشته باشد.

شیوه‌ای که برای پایان بخشیدن به ماجرای بازداشت جاسوسان آمریکائی در پیش گرفته شد، هیچ پیروزی برای دولت که خود را درست اعتقاد میداند حاصل نیآورده و بر بسیاری از افتخارهای انقلاب نیز برده کشیده است.

سخنگوی دولت در توجیه قرار می‌گیرد که برای رهائی جاسوسان گذارده شده، عنوان کرده است که «اینقدر هم دیگر مثل کاسپا چرتکه نیندازید که چقدر گرفتیم و چقدر نگرقتیم که مجبور شویم یک حرف‌های دیگر هم بزنیم».

این سخن در درجه نخست به امضاء کنندگان قرار باز می‌گردد، چه خود آنها سرانجام به دام امپریالیسم آمریکا افتادند و مبارزه ملت ایران را برای درهم شکستن سلطه بیگانه در قالب اختلاف‌های مالی فرو بردند. اگر برخورد کاسیکاران به برای تعیین تکلیف جاسوسان بازداشتی کاری است ناروا، این ناروائی را دولت و گفنگو کنندگان کرده‌اند و در دنبال تن

به دلالی دادن و قرار بهادن آنهاست که این شیوه ناستوده نمایان گردیده.

از سوی دیگر، طلب کردن حقوق قانونی و دارائی‌های مردم غارت شده چرا باید زیر عنوان «کاسیکاران» مورد تخطئه قرار گیرد.

مگر نه این است که ایران در برابر بزرگترین استعمار کننده تاریخ قرار گرفته و مگر نه این است که مال همه این گفتگوها برای امپریالیسم آمریکا به صورت رقم و عدد و دلار جلوه می‌کند، پس چرا باید ایران، حقوق مالی خود را فراموش کند.

آنان کی و در کجا سود و سرمایه خود را از یاد برده‌اند، و چه «بزرگوار» را از خود نشان داده‌اند که اینک، ایران باید در برابر آن به این شیوه «بخشنده‌گی» رو آورد.

این دلارهایی که به میلیون میلیون مورد آریز قرار گرفته، از آن مردم شهیدست و شوریده حالی است که از همه موهبت‌های زندگی بی بهره مانده‌اند.

این پولها که نباید با دید «کاسیکاران»! به آنها نگرست، تعلق به کسانی دارد که اینک در جبهه‌های نبرد میهنی، هستی خود را برای پایداری ایران نثار می‌کنند.

پولهایی که مورد گفتگو قرار گرفته و به آسانی از روی میلیارد‌های آن پریده‌اند از آن صد‌ها هزار آواره‌ای است که جانی برای خفتن و چیزی برای خوردن ندارند.

این پولها، اندوخته شخصی دولتمردان نیست که رها از هر «حسابرسی» نسبت به آن اخذ تصمیم نمایند.

هرریال از این پولها، مصرف شایسته دارد و با آنها می‌شود، برای میلیون‌ها ایرانی در مانده، کار فراهم آورد و گرسنگان را خوراک و برهنگان را پوشاک و بی‌خانمان‌ها را سرپناه داد.

اگر گفتگو درباره دارائیها و ذخیره‌های ارزی ایران، جنبه «کاسیکاران»! دارد، چرا دشمن با بهره‌برداری از فرصت دستگیری جاسوسان خود،

بی‌درنگ به توقیف آنها پرداخت. در بازار جهانی امروز جز با پول نمیتوان، وسیله رفاه مردم و پیشرفت کشور را فراهم آورد و جز با پول نمیتوان ابزارهای سرمایه‌های تهیه و به کشور وارد کرد تا بر قدرت اقتصاد ملی افزوده شود.

ذخیره‌های مورد گفتگو قرار گرفته و فرو پاشیده شده، عصاره هستی و فرآورده تلاش میلیون‌ها زن و مرد ایرانی طی سالها بوده است.

این پولها اندکی است از بسیار دارائی‌های ایران که ربوده و یغما کرده‌اند و ته مانده مبلغهای بسیار بزرگی است که از منبع‌های طبیعی کشور برگرفته‌اند.

سخنگوی دولت چرا از مردم، می‌خواهد که از دید «کاسیکاران» دست بشویند، بهتر بود که ایشان از طرف‌های گفتگوی خود می‌خواستند که دید چپاولگرانه را تغییر دهند.

هر کس اجازه دارد دارائی خویش را به هر سان که میل دارد به دادوستد گذارد ولی چنین اختیاری در مورد «اموال عمومی» به هیچکس داده نشده و باید تا آخرین دینار آنها به حساب گرفته شود.

در مورد «اموال عمومی» باید چرتکه انداخت و غیر از چرتکه باید با بهره‌گیری از ماشینهای دقیق حساب تا یک هزارم اعشاری دینار را هم به حساب آورد و دریافت کرد.

اگر مردم، نسبت به «اموال عمومی» دید کاسیکاران دارند باید بر آنها آفرین گفت این اصلی‌ترین وظیفه هر فرد یا سازمان ملی است که بازبین و پاسبان «اموال عمومی» باشد و هر جا کوچکترین نقصانی یا زیانی نسبت به آن مشاهده کرد، با همه وجود فریاد بردارد و رفع نقصان و زیان را بخواهد.

یک روز، در سالهای پیش، یکی از زمامداران ایران، با اشاره به دریای مازندران، اظهار داشت «برای مشت‌آب شور، کام شیرین دوست را تلخ نباید کرد» و با این سخن حقوق

ملت ایران را به یک دولت بیگانه بخشید.

امروز همان ماجرا در شکلی دیگر تکرار می‌شود و به مردم غارت شده و ستم رسیده‌ای که برای رسیدن به حقوق خود به هرقداکاری و جان‌بازی تن داده‌اند گفته می‌شود که اردید «کاسیکاران» دست بردارند، و اینقدر نگویند که «چه گرفتیم و چه نگرقتیم» اگر قرار بر این بود که ایران در مبارزه خود مبلغی هم به نظام بانکداری امپریالیسم آمریکا هدیه کند، باید حقیقت با مردم در میان گذاشته میشد تا خود به چاره برخیزند.

سیل خروشان مردمی که خیابانهای تهران را زیر پای گذاشت و به سوی لانه جاسوسی به حرکت درمی‌آید، برای آن نبود که درد یافت حقوق قانونی و ثروت خود دست از دقت بردارند.

این مردم به خاطر آن برپا ایستادند و خروشانند که شاید بتوانند «حاکمیت ملی» خود را پاسداری کنند و در پست‌تو آن دارائیهای غارت شده را هم به دست آورند.

اینک نه همان که افتخارهای بدست آمده را به هیچ گرفتند و نه همان که شیوه آریز دارائی‌های ایران سراسر زیانبار بود، ملامت زمامداران هم بر همه تلخی‌ها افزوده شد.

دولت هیچ پیروزی حاصل نیآورد و غرور ملی را خدشه دار کرد و دارائیهای ایران را بر باد داد و چنین دولتی دیگر حق ندارد زبان به ملامت مردم کشور بگشاید. راستی دولتمردان باتکیه بر کدام دست آورد خود این چنین فخر می‌فرشند و برهم آوردان میتازند.

پاسخ روشن و قطعی به گرافگوی دولتمردان این است که مبارزه ملت ایران با امپریالیسم آمریکا را به تنگنا کشانده‌اید و در پیشگاه تاریخ این ندانم کاری هرگز بخشوده نخواهد شد.

## بر مزار دلاوران کوهستان



وابستگان سازمان کوهنوردی و اسکی ابر مرد بر مزار دویار به خون خفته خود



همرزم سیف دستیار دبیر حزب بر مزار دلاوران کوهستان فاتحه میخواند

در ساعت پانزده روز چهارشنبه هشتم بهمن ماه ۱۳۵۹ که برابر با یازدهمین سالگرد جانسپاری دلاوران کوهستان فریدون نجاح و احمد فرزین‌نیا بود وابستگان سازمان کوهنوردی و اسکی ابرمرد و نمایندگان دبیرخانه حزب ملت ایران بر مزار این دویار به خون و خاک خفته خود حضور یافتند. در این گردهم‌آیی، پس از فاتحه خوانی و گل‌گذاری، هم‌رزم عبدالله شاه طاهری از کوششهای پی‌گیر سازمان کوهنوردی و اسکی ابرمرد و آن دو قهرمان در دوران اختناق نظام سلطنتی وابسته به بیگانه یاد کرد.



## تکته‌ها

## آن نویسندگان کجا هستند؟

حسب ریز روز شنبه یازدهم بهمن ماه به دعوت انجمن اسلامی از مؤسسه کیهان، بازدید بعمل آورد و ضمن گفتار خود در جمع کارکنان یادآور شد «تقارن این دیدار با... آدم را به یاد دو کلمه بزرگ می‌اندازد که کیهان با حروف درشت و جلی بر برگ که قلب همه زجر کشیده‌ها و آگاهان جامعه را حوشحال کرد، بوشت و آن کلمه «شاه رفت» بود که همیشه به یادتان هست.

وقتی که این کلمه را نوشتند روزنامه شما پلاکارد همه مردم مستضعف شد و در کوچه و خیابان روزنامه شما گویای احساسات قلبی مردم ما بود و آن را بدست گرفتند و دیدند همان چیزی را که آنها می‌خواهند شما نوشتید. وی افزود بدنبال این کلمه، کلمه دیگری نیز در همان حد جالب نوشتید که آن هم بسیار مؤثر بود خود شما میدانید که چه عکس‌العملی بدنبال داشت و آن کلمه امام آمد بود. ای کاش جست‌و‌جوی با این حافظه قوی از گردانندگان کنونی کیهان، پرسش میکرد، نویسندگان این «دو کلمه»‌های دلپسند مردم که در آنگاه به بیم و امید از جان وهستی خود مایه میگذاشتند تا انجام وظیفه کنند در حال حاضر کجا هستند و چه میکنند؟

## بیله دیگ، بیله چغندر!

خبر داده شد که یکصد و بیست تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از «پیروزی انکار ناپذیر دولت» در حل مساله «گروگانهای آمریکائی»، آنهم به «نیکوترین وجه»، ابراز خشنودی نموده و از رئیس دولت تقدیر کرده‌اند.

## مصادره‌ی اموال مصادره شده؟!!

از قول نماینده آقای خلخالی در مرکز جمع‌آوری اموال مصادره شده از قاچاقچیان مواد مخدر نقل شده است که: «روز دوشنبه (هفته گذشته) نماینده دادستانی برای تحویل گرفتن فرشها و دیگر اموال مصادره شده به این مرکز مراجعه نمود که حجت‌الاسلام خلخالی برای تحویل دادن این اموال خواستار حضور نمایندگان نخست‌وزیری، بانک مرکزی و خبرنگاران رادیو تلویزیون و جراید شدند و روز چهارشنبه را برای انجام این کار تعیین نمودند.»

«روز سمنه گروهی حدود سی تا چهل نفر از اقراد مسلح که از طرف دادستانی مأموریت داشتند، بدون درجریان گذاشتن مسئولین و بدون اطلاع قبلی به ساختمان محل جمع‌آوری این اموال حمله آوردند و تمام فرشها و پوستهای قیمتی و دیگر اجناس عتیقه و گرانبها، که از قاچاقچیان مصادره شده بود و میلیاردها ریال قیمت گذاری شده بود، بوسیله چند بنز خاور که بهمراه آورده بودند و هم چنین شش وانت بار، که به زور از خیابان آورده بودند با خود بردند. این خبر که به تأیید مقامهای مربوطه نیز رسیده است، آدم را به یاد آن دو نفری می‌اندازد که سر تقسیم بهم جنگیدند و بالاخره نفر سوم.....!!

## آقای لاهوتی بی‌شک اشتباه شده است

دوستی گفت از وقتی که شنیده‌ام آیت‌الله لاهوتی در مجلس گفته است که من حدود پنج ماه است ممنوع‌الخروج شده‌ام، دارم از تعجب شاخ درمی‌آورم.

گفتم خوب برادر تو که خودت در سالهای بعد از کودتا تا همین آغازهای انقلاب «ممنوع‌الخروج» بوده‌ای باید بهتر بدانی که در هر کار سرانجام حساب و کتابی هست و بیخودی که آدم را ممنوع‌الخروج نمی‌کنند و بی‌شک یک چیزی بوده است که ما از آن خبر نداریم!!!

دوست بی‌نوا من که سخت عصبانی مینمود گفت: آخر عزیز من، من در آن دوره ممنوع‌الخروج بودم و علتش هم این بود که می‌گفتند تو علیه رژیم اقدام کرده‌ای و فعالیت سیاسی تو خوشایند دستگاه نیست و خلاصه آدم سلامتی نیستی... آخر برادر... آن زمان ممنوع‌الخروج بودن ابهتی داشت، افتخاری داشت، آدم خودش را یک سرورگردن از همه بالاتر میدانست...!

اما حالا چی که بقول اینها، فقط «مفسدین فی الارض» باید ممنوع‌الخروج باشند... نه بی‌شک یک اشتباهی شده، اصلاً ممکن است این یک آیت‌الله... اما نه شاید اینکه در آن نامه نوشته‌اند حجت‌الاسلام..... اما نه، اینهم نمیشود، و بعد این دوست حقیر در حالی که با مشت روی میز میکوبید گفت: آخه چطور میشه کسی که.... و بی‌درنگ مثل اینکه معنائی را حل کرده باشد گفت: فهمیدم، و اینها میخواستند مجلس از اکثریت نیفتند..... و بعد از کمی تامل گفت..... نه اینهم نمیشود.

و درحالی که سخت از حل این معما عاجز شده بود با خودش زمزمه میکرد که: نه..... آخر مگر میشود..... نه بی‌شک یک اشتباهی شده است.....!!

## از نامه‌های رسیده

## چند صدتن از مردم فریدن:

در طومار بزرگی به دفتر امام خمینی، دفتر ریاست جمهوری، دفتر نخست‌وزیری و دفتر استانداری اصفهان از کارهای فرماندار شهر خود شکایت کرده‌اند، در رونوشت این طومار که به دفتر آرمان ملت رسیده، چنین نوشته شده است «با الهام گرفتن از این خط‌مشی که بر مبنای اسلام قرار دارد بر این شدیم که با تهیه طوماری از طرف اهالی شهرستان فریدن، این مردمی که رسالتی بجز زحمت و تحمل مشقات بر اساس مقتضیات زمان و مکان ندارند.

مردمی که بر اساس فرضیات عده‌ای مغرض با مارک ضدانقلاب زبان حق گوییشان را قطع و فریاد حق طلبانشان در گلو خفه شده است، دادخواهی می‌کنیم. مردم، پس از استقرار حکومت اسلامی بر اساس ابعاد و موازین مکتب مقدس محمد (ص)، چشم امید خود را به سردمداران و دولتمردان جمهوری اسلامی دوختند که به خواسته‌های حقیقیشان نظری نموده جهت احقاق حق آنها بشود، چرا که حکومت علی (ع) چنین بود.

«در این برهه از دوران انقلاب گرچه هیچ‌بحث و فریادی نیست لیکن خودسازی را باید سرآمد هر عملی قرار داد سپس جامعه‌سازی و اگر در سرزمینی که قوانین مقدسه اسلام در آن حکمفرماست، شخصی درصدد پایمال نمودن حق دیگران است، امت مسلمان باید برای احقاق حق خود از جان و مال خود بگذرند.»

در قسمتی دیگر از طومار آمده است «از طرف دولت شخصی به نام «امید» به عنوان فرماندار منصوب گردیده که شخصی است با سیمایی به ظاهر اسلامی و در باطن خصلتی دیگر دارد و رفتارش و افالش با خط اسلامی مغایر می‌باشد.

بدین معنا که اگر بررسی شود همه شهرستانهای ایران در بسعد از انقلاب در شاه‌سراهِ ترقی رهنمون گشته و بالعکس داران و دهات حومه آن نه تنها فرقی نکرده بلکه تنزل نموده است که موجب شده کلیه اهالی فریدن نسبت به انقلاب بدبین شده‌اند و کارهای ایشان بر مبنای: پایمال نمودن حق فریدن - اهانت علنی به مردم - تهدید و ارعاب افراد بیگانه به جرم حق گویی کم‌کاری - طرد کردن افراد فعال و متعهد تبعیض قائل شدن و غیره می‌باشد

همین امر باعث انزجار اهالی شده که در سال گذشته انجمنی جهت اعتراض به این شخص تشکیل گردید ولی با تهدید و ارعاب به وسیله اسلحه از طرف سپاه پاسداران روبرو شد که در نتیجه بی‌ثمر بود.

چند روز پیش فرزند امام خمینی حجت‌الاسلام حاج سید احمد خمینی و داماد امام و آقای بجنوردی که از جبهه به استان اصفهان مراجعه مینمودند بر خوردی با چند نفری از اهالی داران داشتند که به این امر پی بردند و مارا امیدوار به اقدام نمودند که هنوز هم به همین امید باقی هستیم.

در پایان طومار نوشته شده است «استدعای رسیدگی و بذل توجه از راه تحقیقات محلی را داریم.»

## سال «امنیت» و سال «استقامت»

آدم گاهی وقتها ناگزیر میشود پا از توی کفش «مکتبی‌ها» درآورد و پاتوی کفش رئیس جمهور هم بکند. در خبرها آمده بود که رئیس جمهور در قسمتی از سخنان خود در سمنان گفته است:

«..... سال پیش من با مقاله‌ای تحت عنوان - مسئولیت - داوطلب ریاست جمهوری شدم و امسال در اولین روز سال دوم ریاست جمهوری می‌خواهم با کلمه - استقامت - دوران تازه‌ای را ملت ما شروع کند.»

البته تا آنجا که در باورها مانده است، قرار بود سال پیش، در عین حال که سال مسوولیت برای ریاست جمهوری بوده، سال «امنیت» برای ملت ایران باشد که گویا به نحس سیزده خورد و تبدیل شد به سال «استقامت» مردم در تحمل ناامنی و هرج‌ومرج!

و حالا که همه‌ی دولتمردان حتی حرفهای یک هفته قبل خودشان را فراموش می‌کنند و مردم هم زیاد سخت نمی‌گیرند و «استقامت» می‌کنند و جلوی زبان فزولشان را میگیرند، چه بهتر که رئیس جمهور هم از این فرصت استفاده کند و سال گذشته را هم بجای سال «امنیت»، سال استقامت اعلام کند که در ضمن مردم هم دروغ نشنیده باشند!!

بدیهی است سال آینده همانگونه که رئیس جمهور اعلام کرده سال «استقامت» خواهد بود.

نقیه در صفحه ششم

## در جهان ملتها چه میگذرد

## گروگانهای دیگر!

اسقف کاپوچی یکی از رهبران دینی فلسطین در دیدار با جاسوسان آزاد شده آمریکائی گفت: «حالا که همه چیز به پایان رسیده است، من از شما می‌خواهم تا گروگانهای دیگر را در جهان به یاد آورید، گروگانهایی که تعدادشان حدود پنج هزار تن می‌شود که همگی در زندانهای حکومت صهیونیست اسرائیل هستند و مدت این زندانها نه فقط چهار صد و چهل و چهار روز بلکه برای سالهای متمادی می‌باشد.»

## موج ایستادگی مردم در مصر

پلیس حکومت مصر در شهر «اسیوط» به سوی دانشجویانی که دست به نمایش خیابانی زده بودند، تیراندازی کرده و سه دانشجو را کشت و همچنین بیش از صد و پنجاه تن از آنها را بازداشت کرد.

از سوی دیگر پلیس سیدوینجاه تن از ساکنان شهر اسیوط را به خاطر جانبداری از دانشجویان بازداشت نمود.

در این حال بر اساس گزارشهای رسیده با افزایش موج ایستادگی سازمان یافته مردم در اسیوط بیش از ده هزار تن از نیروهای امنیتی مصر به این شهر اعزام شده‌اند.

منطقه اسیوط از زمان سفر سادات به اسرائیل شاهد نمایشها و شورشهای پی گیر مردم در برابر سیاست زمامدار سازشکار کشور بوده است.

## حق طلبی خلبانان یوگسلاو

دوتن از خلبانان یوگسلاوی به نامهای «احمد رامیک» و «بوسک پرژیک» که دوره‌های خلبانی دیده‌اند با فرستادن نامه‌هایی به سفارت ایران در یوگسلاوی برای شرکت در نبرد علیه حکومت نژادگرای بعث عراق آمادگی نمودند.

## وضع نابسامان شیلی

دوتن از مردم شیلی که به تازگی از این کشور خارج شده‌اند، در مصاحبه‌ای اعلام کردند، فشار حکومت دست نشانده شیلی بر کارگران روز به روز افزایش می‌یابد.

شرایط زندگی در شیلی بسیار سخت و درآمد متوسط یک کارگر در حال حاضر پنجاه و پنج هزار پزو (بیست و نه پزو برابر با یک دلار است) می‌باشد.

قیمت ماده‌های غذایی و دیگر ماده‌های لازم به قدری افزایش یافته است که میانگین پرداخت برای برآوردن نیازمندیها کافی نیست.

حکومت شیلی ادعا میکند که میزان بیکاری در حال حاضر سیزده درصد است ولی به عقیده مقامهای اتحادیه‌های کاری، بیش از بیست درصد از نیروی انسانی شیلی بیکار هستند.

## گسترش اعتراضهای سیاسی در لهستان

ناآرامیهای سیاسی لهستان به دانشگاههای این کشور نیز رسوخ پیدا کرد و بر اساس گفته‌های مقامهای کاریگری و دانشجویی در یکی از شهرهای لهستان به نام لژ، بیش از دو هزار دانشجو برای اعتراض به تدریس اجباری مارکسیسم در دانشگاهها دست به اعتصاب زدند.

اقدام دانشجویان دانشگاه لژ در پی اشغال دانشکده پزشکی دانشگاه ورشو توسط دانشجویان صورت می‌گیرد.

دانشجویان دانشگاههای لهستان خواستار لغو اجباری بودن ثبت‌نام در کلاسهای فلسفه مارکسیسم و اقتصاد و همچنین جلوگیری از حمله‌های پلیس لهستان به داخل دانشگاهها می‌باشند.

## جنگ در امریکای جنوبی

بر اساس گزارشهای رسیده، ناحیه‌های مرزی اکوادور و پرو شاهد زدو خوردهای نیروهای دوطرف گردیده است، دو کشور پرو و اکوادور در مورد کناره‌های رودخانه آمازون اختلافهای ارضی دارند و به موجب قرارداد «ریودونزائیرو» قسمت بزرگی از ناحیه‌های جنوبی اکوادور در کنار رودخانه آمازون به پرو داده شده ولی اکوادور در صدد بازپس گرفتن این زمینها می‌باشد.

به موجب همین گزارشها شنبه گذشته در پی تهاجم هوایی هواپیماهای جنگی پرو به نیروهای اکوادور، زدو خوردهای دوطرف به جنگی تمام عیار تبدیل شد.

از سوی دیگر اکوادور اعلام کرد، دفاع ضد هوایی این کشور دوهلیکوپتر و دوهواپیمای جنگی پرو را سرنگون ساخت و در این حال دولت پرو، ادعا کرد اکوادور، مفاد قرارداد «ریودونزائیرو» را نقض کرده است.

## سرنگون باد حکومت نژادگرای بعث عراق